



ظهرها و من لطيف أمرها انها مع صغرها تقتل الفيل و البعير يلسعها.  
طريفة: قيل من غرائب أمر الحية أنها لا ترید الماء و لا ترده إلا أنها لا تضبط نفسها  
عن الشراب إذا شمته لما في طبعها من الشوق إليه فهي إذا وجدته شربت منه حتى  
تسكر و ربما كان السكر سبب هلاكها و أنها سايرة و عينها لا تدور في رأسها كأنها  
مسمار مضروب في رأسها و كذلك عين الجراد و إذا قلعت عادت و كذلك نابها إذا  
قلع عاد بعد ثلاثة أيام و كذلك ذنبها إذا قطع نبت و من عجب أمرها أنها تهرب من  
الرجل العريان و تفرج بالنار و تطلبها.

طريفة: قيل قال موسى عليه السلام أترزق فرعون و هو يدعى الربوبية فأوحى الله  
إليه يا بن عمران لو ترك فرعون العبودية ما اترك الربوبية (٩٣).  
طريفة: گویند بجهت قوة حافظه چهل و یک روز این آیه را بر انجیر خشک  
بخوانند و روزی چند دانه از آنها را بخورند و کمتر از یک دانه نخورند «إنا نحن نزلنا  
الذکر و إنا له لحافظون».

طريفة: قيل عن مولانا ابي عبدالله عليه السلام إذا هم أحدكم يدخل بيتاً و يلصق خده  
بالتراب ثم يقول: «أستغيث بالله و برسوله و بك يا فاطمة».

طريفة: گویند بجهت اولاد شدن مرداسنک با تخم مرغ مالیده بر ذکر مالند موجب  
اولاد میشود چنانکه بتجربه رسیده و الله العالم.

طريفة: گویند در یکی از کتب تفاسیر آورده آنکه بجهت توانگری عظیم که از  
حساب آن عاجز آید در سه شب جمعه هر شبی دو رکعت نماز گذارده در هر رکعتی  
ده مرتبه سوره مبارکه حمد و یازده مرتبه سوره مبارکه توحید بخواند و بعد از سلام  
صد مرتبه صلوات بفرستد و الله العالم.

طریفة: قیل الحرارة على أربعة أقسام المحسوسة من جرم النار و الاستفادة من الاشعة و التي توجبها الحركة و الموجودة في بدن الحيوان و هي الحرارة الغريزية و يسميها افلاطون النار الإلهية.

طریفة: قیل إن الخفاش يغذو الشعر و يهضمه و ليس في أصناف الحيوان ما كان كذلك.

طریفة: قیل الشهوة قد تكون من الحرارة و تسمى شيرانية و قد تكون من البرودة و تسمى كلبية و هي التي بها المعدة جائعة و البدن غير جائع.

طریفة: از جمله مواضعی که مرثه یائسه باید عدّه نگاه دارد از جهت دخول و طی بشبهه است با او، و اگر شوهر او را طلاق دهد عدم عدّه طلاق موجب عدّه و طی مزبور نخواهد بود کما فی فتاوی العلماء.

طریفة: گویند نشاسته را با شکر و روغن بادام بریان کنند و نیم گرم تناول نمایند بجهت سینه و سرفه نافع خواهد بود انشاء الله تعالی.

طریفة: هرگاه چشم زاغ همراه کسی باشد او را خواب نمیبرد و الله العالم.

طریفة: گویند طریق حل کردن مریخ آن است که براده مریخ را بآب نمک بشویند مکرر و بآب صافی نیز بشویند تا روشن شود پس خشک کنند و در تیزاب اشخار و فلفل مسجوق اندازد در بوته آهنی و آتش نرم کند تا آب نشف کند و بجوشاند تا هفت بار که آن براده حل شود بر مثال سیماب و این محلول جذب رطوبات و عقد طيارات کند و مشتری را محکم نماید.

طریفة: گویند مریخ با علم و ملح قلیا مذوب گردد و بشمس ممتزج گردد و صبغ ثابت دهد آن شمس مصبغ قمر را مصبغ نماید.

طریفة: گویند نمک قلیا و تبرزد و طعام و سمّ الفار و نشادر هر کدام یک جزو و شوره دو جزو با هم خوب صلاحیه، یک روز بآب لیمو گذارند و بعد از آن بطرف کاشی کرده یک شب و یک روز در آتش گلخن گذارد و بعد از آن برآورده یک مثقال بر پنج مثقال مشتری یا زهره طرح نماید و مشتری را قائم نماید.

طریفة: گویند آب قلیائی که سه چهار روز غلیظ شده و نریخته باشند با سه مثقال توتیای هندی ممزوج نموده و فرّار را در آن ریخته بر آتش ملایم تا سه ساعت گذارده از کتان آب ندیده چند مرتبه صاف نمایند فرّار عقد شود باین تدبیر.

طریفة: گویند مکروه است آنکه در تاریکی نان خورند و غیبت کردن در مسجد و عطسه زدن در جامه خواب موجب دیوانگی است و ایضاً در پشت طبق یا پرویزن نباید نان خورد.

طریفة: گویند رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی علیه السلام بر حذر باش از دعای اهل سخاوت و قران خوان که خداوند تعالی ایشان را زود اجابت فرماید و چون ماه نو بینی بگو: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لله الحمد و لا حول و لا قوة الا بالله العلیّ العظیم» و گوشت خروس بسیار مخور که بسیار بد می باشد. یا علی مویز میخورده باش که فصاحت زیاد میکند و بلغم را میبرد. یا علی چون سفر کنی یا بحرب دشمن روی سوره «یس» را بسیار بخوان و سوره «اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ» را ده مرتبه بعد از «یس» بخوان و صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله فرستاده میباش. یا علی چون روزه بگشائی این دعا را بخوان: «بسم الله اللّهُمَّ بوجهک و جَهِت و علی رزقک افطرت و علیک توکلت یا غفارِ اغفرلی یا غفار».

طریفة: گویند بجهت تعجیل رزق مجرّب است «یا هو، یا من هو، یا لا اله الا هو،



منعقد گردد و نشان آن پیاز آن است که در وقت کندن اگر سوزنی در وی زنی سرخ  
گردد و الله العالم.

طریفة: گویند طریقه سفید کردن زرنیخ آن است که بیاورد یک سفالی را و زرنیخ  
وزن نموده در بن دیگ گذارد و بر سر دیگ سرپوش سفالی و لب دیگ را بگل بگیرد  
هر گل که باشد تا بخار بدو نرود و هفت ساعت آتش زیر دیگ کند بعد از آن سر  
دیگ را بردارد و زرنیخ بر سر بسته باشد سفید جمع نموده یک بر پنج مس طرح  
نماید نقره گردد انشاء الله.

طریفة: گویند هرگاه روح را فرس سعاف سفیداب قلعی نموده در بوته بگذارد  
ثابت گردد.

طریفة: گویند بستاند شاخ و برگ زرشک و بکوبد و آبش را بگیرد و مس را در  
آتش سرخ کند و صد و بیست بار در آن فرو برد مثل زر طلایه می شود برنگ برابر  
شمس عمل کند.

طریفة: گویند هرگاه جیوه را با روغن گردو ملقمه و بسیار صلایه نمایند ثابت  
شود و حنظل هم همین حکم دارد و سفیده تخم مرغ هم چنین است.

طریفة: گویند بجهت احضار مشروع بر هفت دانه فلفل سفید بر هر یک سبع  
مرّات سورة زلزال بخواند و بدمد بر آن.

طریفة: قیل مرّ سلیمان عليه السلام ببلبل يتصوّت و يرقص فقال إذا أكلت نصف ثمرة  
فعلى الدنيا العفا. (۹۵)

طریفة: گویند اگر خواهی هر چه بشنوی یاد بگیری این اسم را بنویس پشت  
دست چپ و بزبان بلیس «الله موامه با سهلیم سعیرا سماعیر عمیر».

طريقة: گویند در عقد فرار بیاورد مرداسنگ باجروی زرنیخ زرد صلابه کند و با سرکه بجوشاند تا دانگی از سرکه کم شود آنگه فرار در آن بجوشاند مانند سنگ شود.

طريقة: گویند هرگاه خواهی عقرب را سفید کنی باید او را در کمین عوامل سحق کنی و آب بر سر وی ریزی تا خشک شود دو سه نوبت مکرر چنین کنی سفید میشود انشاء الله تعالی.

طريقة: گویند چون فرار منعقد را بر نحاس طرح کنند آتش بسیار باید کرد چون سیخ آهنی در بگرداند زیبق در آن نجسبیده باشد مزاج تمام یافته آنگاه بگذارند و قدری سرب داخل کنند بدمند تا سرب بسوزد باز قدری سرب داخل کنند و بدمند تا سرب بسوزد چون سه دفعه آن عمل کنند نقره روناسی بیرون آید انشاء الله تعالی.

طريقة: فی الحدیث قال ابلیس یا موسی علیه السلام ایاک أن تعاهد الله عهداً فانه ما عاهد الله احداً إلا كنت صاحبه دون أصحابی حتی أحول بینه و بین الوفاء به (۹۶).

طريقة: قبل قال رجل للحسن یا ابا سعد اینام ابلیس فقال لو نام لوجدنا راحة و لا خلاص للمؤمن منه إلا بتقوی الله (۹۷).

طريقة: قال فی الاحیاء (۹۸) من غفل عن ذکر الله تعالی و لو لحظة لیس له قرین فی تلك اللحظة إلا الشیطان قال الله تعالی: «و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطاناً فهو له قرین» (۹۹).

طريقة: قبل ان قبل لم قدم الجن علی الإنس فی قوله تعالی «و ما خلقت الجن و الإنس إلا ليعبدون» (۱۰۰) فالجواب إن لفظ الإنس أخف لمكان النون الخفیفه و السین المهموسه و كان الأثقل أولى بأول الكلام من الأخف لنشاط المتكلم و راحته.

طریفه: قیل إنّ النبی ﷺ نهی عن نکاح الجنّ و عن زید العمی أنّه کان یقول

اللّهم ارزقنی جنیّة أتزوّج بها تصاحبنی حیث ما کانت.

طریفه: قیل کان الشیخ عزّالدین عبدالسلام یقول و قد سئل عن ابن عربی فقال

شیخ سوء کذاب فقیل فکذاب ایضا قال نعم تذاکرنا یوماً نکاح الجنّ فقال الجنّ روح

لطیف و الإنس جسم کثیف فکیف یجتمعان ثم غاب عنّا مدّة و جاء و فی رأسه

شجّة فقیل له فی ذلك فقال تزوّجت امرأة من الجنّ فحصل بینی و بینها شیء

فشجّنی هذه الشجّة قال الامام الذهبی بعد ذلك و ما اظن عن ابن عربی تعدّد هذه

الکذبة و إنّما هی من الخرافات الریاضیة.

طریفه: قیل یمکن الزواج بین الجنّ و الإنس من جهة العشق کما فی الصرع علی

ما قیل و قال الله تعالی «و شارکهم فی الأموال و الأولاد» و قد ذکروا أنّ الواق واق

نتاج ما بین بعض النبات و بعض الحیوان.

طریفه: قیل الأغلب أنّ کرة النار تكون مملوّة من الروحانیات.

طریفه: قیل فی الحبشة ضرب من الحیّات تطیر فی الهواء.

طریفه: گویند اسم اعظم بر دو قسم است خاص و عام و طریق معرفت عام

مختص خواص است و اما طریق معرفت خاص بنابر طریق عارفین آن است که هر

اسم از اسماء الله تعالی بحساب جمل یا قانون جفر با اسم احدی از آحاد مطابق بود

اسم اعظم او آن است و قانون ارباب جفر چنان است که از عشرات هر ده را یکی

اعتبار کنند و از مآت و ألوف هر صد را یکی گیرند و هزار را نیز همچنین یکی

حساب کنند چرا که اسقاط عشره مصطلح ایشان است بدین اعتبار دوازده نه را

طرح کنند و نه چون از ده طرح شود یکی بماند و از صد و هزار چون اسقاط نمایند



یکی بماند و از آحاد چیزی مطروح نشود بر تقدیری که عدد احاد بعد از اجتماع اعداد از عشر و عشرين متجاوز گردد زیرا که اگر اسقاط واقع شود مکرر طرح لازم میاید و گویند بنا بر حساب جمل همان اسم را بعدش بخواند بعد از خواندن سوره فاتحه بهمان عدد و سوره الم شرح نیز بهمان عدد و بعد از آن بهمان اسم از خداوند تعالی حاجت را درخواست کند که انشاء الله تعالی مستجاب است کما ادعی فیہ التجربة و اگر موافقت را در یک اسم نیافت در دو اسم الی چهار اسم هم می شود و الله العالم و در نزد بعضی مطابقت را بقانون جفری مذکور نیز میتوان اجرا نمود فتامل.

طریفة: گویند هر که اسم مبارک «الواجد» بجیم را بر هر لقمه نان که در دهن گذارد بخواند صاحب یقین خواهد گردید انشاء الله تعالی.

طریفة: گویند اگر کسی خواهد بجائی رود و کسی او را نبیند این دعاء را بنویسد و بر بازوی راست بندد:

«بسم الله الرحمن الرحيم لهوه لهوما هفقا هفقاء».

طریفة: گویند بجهت  $\frac{3}{4}$   $\frac{1}{3}$   $\frac{2}{1}$   $\frac{4}{6}$  این دو مثلث را که یکی با اسم طالب است و یکی با اسم مطلوب نوشته و اسم طالب و اسم مطلوب بر روی هم گذارند و در زیر سنگ گران نهند که آزموده و مجرب است و این مسلط در چهار رکن آن بدوح نوشته شده بحروف مقطعه و باید هر یک از اسم طالب و مطلوب را بعد در آورند و آن عدد را

بنویسند مثلاً اسم علی را باین نحو بنویسند ۱۰۳۰۷۰ و اسم نرجس را باین نحو ۲۰۵۰ ج س و هرگاه خواهند از غیر عدد نویسند باین نحو باید نوشته شود.

۳	۵۳	۲		۳	۵۳	۲
۳۷	طالب	۸۳		۳۷	طالب	۸۳
۲۱		۳۲		۲		۳۲
۸	۳۱۶	۶		۸	۳۱۶	۶
	۳۱۱				۳۱۱	

د	مخ	ب		د	مخ	ب
طریق	طریق	عجزة		طریق	طریق	عجزة
طریق		د		طریق		د
۸	دالین			۸	دالین	

طریفة: گویند از خواص زاج سفید آن است که چون کسی را چشم بد رسیده باشد آن را بخور نماید در آن قطعه بخور بقیه بصورت و شکل چشم ظاهر گردد و هرگاه او را در طرف قبله خانه آن شخص بگذارند هرگز چشم بد باهل آن خانه اثر نکند انشاء الله تعالی.

طریفة: گویند بجهت خفاء از انظار خصوصاً از خصوم و اشرار بر کف دست خود نویسد «ربّ ارنی ... تا و انا اول المؤمنین»<sup>(۱۰۱)</sup> را و بر زبان نیز بخواند هیچ کس او را نخواهد دید انشاء الله تعالی.

طریفة: گویند از شیخ عاملی بهائی قدس سره العالی منقول است آنکه هرزنی که او را فرزند نشود این آیه کریمه با حروف مقطعه کسی که محرم آن باشد بر پهلوی راست زن نویسد و اگر محرمی نباشد غیر محرم بر کاغذی نویسد و بر پهلوی راست او بچسباند انشاء الله تعالی او را فرزند شود اما باید گوسفند فربهی شیشک بی عیب سیاه را در جایی که آسمان پیدا نباشد ذبح نماید و گوشت او را بچهل مؤمن خوراند

و شرط دیگر آن است که تعویذ بحروف مقطعه بدون کم و زیاد بنویسد تا فرزند کامل شود و شیخ مذکور که این تعویذ را قریب بنهصد کس دادیم از همه فرزند بوجود آمد آیه مزبوره این است «ولو أن قرآننا سیرت به الجبال أو قطعّت به الأرض أو کلم به الموتی بل لله الأمر جمیعاً» (۱۰۳)

طریفة: گویند هر گاه نقره را بر موضع عقرب گزیده گذارند درد آن ساکن گردد انشاء الله تعالی.

طریفة: گویند هر که هفت بار بر آب بخواند و بخورد «و مریم ابنة عمران» امساک حاصل شود و چون خواهد گشاده شود هفت بار نیز بر آب بخواند بقیه آنرا که «التي احصنت فرجها...» (۱۰۴) باشد گشاده شود انشاء الله تعالی.

طریفة: ایضاً گویند نوشتن این حروف بر خرقة سفید و بر بازوی راست بستن موجب اکثار در جماع خواهد بود

ای ط م ک ه ن الح الا حین

طریفة: گویند نوشتن این شکل با تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام و بگلاب شستن و آشامیدن آن موجب شفاء معجل خواهد بود و قد قیل انه والله شفاء و انه والله شفاء و انه مکتوب بین کتفی النبی ﷺ

سوره الماعون سوره الماعون سوره الماعون

طریفة: گویند در وقت ماه نو دیدن نظر کردن در این سور بترتیب مزبور موجب محفوظیت از آفات و بلیات خواهد بود انشاء الله تعالی. محرم: در سوره الرحمن، صفر: در سوره حمعسق، ربیع الاول در سوره قد سمع الله (مجادله)، ربیع الثانی در سوره تبارک، جمادی الاولى در مزمل، جمادی الثانیه در مدثر، رجب در سوره یس شعبان در سوره ص، شهر رمضان در سوره محمد ﷺ شوال و ذی القعدة در

سورة انا فتحنا (فتح) و نساء ، ذي الحجّه در حجر .

طریقه: گویند از حضرت امام موسی علیه السلام مروی است که چون خواهی رقعهای به کسی بنویسی بجهت مطلبی که خواهی زود روا شود ، وقتی که هنوز قلم را از مرکب سیاه نکرده باشی بر سر کاغذ بنویس : «بسم الله الرحمن الرحيم وعدالله الصابرين المخرج مما يكرهون و الرزق من حيث لا يحتسبون ، جعلنا الله و اياكم من الذين لا خوف عليهم و لا هم يحزنون» بعد از آن مطلب خود را بنویس ، راوی گوید مکرر تجربه شد و تخلف نداشت .

طریقه: گویند یکنوع از طرق خواندن سورة مبارکه یس این طریق است که سه مرتبه صلوات بفرستد و سه مرتبه سوره اخلاص بخواند و یک مرتبه آیه الکرسی بخواند و بعد از آن این دعا را بخواند :

«بسم الله الرحمن الرحيم اللهم يا صمدى من عندك مددى عليك معتمدى يا ناصر يا معين بحق اياك نعبد و اياك نستعين اغثنى على كل حال بقوة قدرتك يا رحمن يا رحيم بحرمة يس و نبينا محمد و اله الطيبين الطاهرين المعصومين عليهم السلام من آل طه و يس و الحمد لله رب العالمين .

طریقه: گویند صاحب درّالنظیم آورده آنکه هر که سوره الم شرح را بر سینه خود یا غیر بخواند از تنگی صدر خلاصی یابد و باطن وی منشرح گردد انشاءالله .

طریقه: گویند از شیخ معروف کرخی منقول است که هرگاه کسی بجهت حصول مقاصد هزار بار این دعاء را بخواند اگر مطلب او حاصل نشد بر من لعنت کند: «بسم الله الرحمن الرحيم آمنت بالله العلى العظيم و توكلت على الحى القيوم» .

طریقه: گویند آنکه اشعار معروفه «و کم لله من لطف خفی...» الخ که منسوب

بجناب امیرالمؤمنین علیه السلام است و اینکه از لوح محفوظ بر آن جناب منکشف شده بسبب ولایت طریق خواندن آنها آن است که بعد از نماز صبح هفت مرتبه بخوانند و در وقت خواب نیز هفت نوبت بخوانند بجهت رفع و دفع آفات. (۱۰۵)

طریفة: گویند صاحب درالنظیم آورده آنکه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مروی است که هر کس سوره مبارکه یس بنویسد و بشوید و آب او را تناول نماید در باطن روی هزار دواء و هزار یقین و هزار برکت و هزار رحمت درآید و هر مرضی از اندرون او زائل گردد.

طریفة: گویند شخصی از آخوند علاءالدین محمد نقل نموده که هر که را چیزی گم شود در وقت خواب با وضوء رو بقبله سیصد و یازده مرتبه بخواند «یا دلیل المتحیرین» و در وقت خواندن با کسی حرف نزند و بخوابد البته دزد را در خواب بیند و ناقل گفته مکرر تجربه کرده ام.

طریفة: گویند هر که فرزند خود را بنیت حفظ کلام الله سوره یوسف را یاد دهد و وی هر روزی یکبار بخواند بدین نیت موفق خواهد شد بحفظ کلام الله انشاء الله تعالی.

طریفة: گویند خواندن سوره مبارکه انفال بنیت توانگری سه مرتبه مؤثر خواهد بود.

طریفة: گویند خواندن سوره جمعه بجهت موافقت زن و شوهر پنج مرتبه و

بیست و یکبار سوره عصر بجهت رفع بدگوئی خصوم و ده بار سوره لمزه بجهت

درد شکم نافع خواهد بود .

طریفة: گویند خواندن حرف میم بجهت امتناع مطلوب از اجابت خواهش او

هفتاد مرتبه مؤثر خواهد بود.

طریفة: گویند اگر کسی آیه «و افوض امری إلى الله إن الله بصیر بالعباد» را بعدد او

که هزار و هفتصد و هشتاد (۱۷۸۰) باشد بخواند با ضمّ عدد اسم خود مداومت کند

خداوند تعالی او را مال کثیری یا منصبی یا دفینه‌ای باو برساند انشاء الله تعالی.

طریفة: گویند بجهت برخواستن  $\frac{3}{4}$   $\frac{1}{3}$   $\frac{2}{1}$   $\frac{4}{6}$  بعدد طاق ۳ یا ۵ مرتبه بخوانند «و تری

الجبال تحسبها جامدة و هی تمرّ مرّ السحاب» (۱۰۵).

طریفة: در کتاب رفع و دفع مرحوم فیض قدسی (ره) نوشته بجهت سرعت انزال

بر کاغذی نویسد و در دهن گذارد تا بیرون نیاورد انزال نشود:

ع ل ل و ط و و ع ل ل و ط و و ع ل ل و ط و و ع ل ل و ط و و ع ل ل و ط و و  
نعمه ای که این طریقه است

طریفة: گویند بجهت قولنج بتجربه رسیده آنکه هرگاه اندکی حنا را بر آب زنند و

بیاشامند در حال تسکین یابد انشاء الله تعالی.

طریفة: گویند اگر زاج سیاه را بسوزانند و در سوراخ مور بریزند دیگر بیرون نیایند.

طریفة: قبل اذا صبّ عصیر الصلق علی الخمر خللها بعد ساعتین و علی الخل

خمّرها بعد اربع و عصیر الصلق اصله تریاق و جمع السن و الأذن سعوطاً و کذا للشقیقة.

# منظر علی

منظر علی  
تبر عن ناله و هوا  
که هر دم غم است  
بلا تیرد یا علی باب  
منظر علی  
تبر عن ناله و هوا  
که هر دم غم است  
بلا تیرد یا علی باب

طريفة: قيل عن اميرالمؤمنين عليه السلام انّ التاويل مشتق من الاول و الاول فى لغة العرب الاصل لانّ الاوّل اصل الأعداد و التاويل من الاول كالتاخير من الآخر الى ان قال عليه السلام و كما انّ التاويل فى الرؤيا معكوس كذلك التاويل فى الشريعة.

طريفة: قيل فى ارض البلقاء جبل اسود عليه مكتوب بالعبرانية «باسمك اللهم جاء الحق من ربك بلسان عربى مبين لا اله الا الله محمد رسول الله على ولى الله صلى الله عليهما» و كتب موسى بن عمران عليهما السلام بيده.

طريفة: فيما اوصى محمد عليه السلام من كتاب من لا يحضره الفقيه يا على انّ الله عزّوجل اشرف على الدنيا فاخترنى منها على رجال العالمين ..... ثم اطلع ثالثة فاختر الائمة من ولدك على رجال العالمين ثم اطّلع رابعة فاختر فاطمة عليها السلام على نساء العالمين قال بعض العلماء (ره) هذا يدل على افضلية كلّ الائمة عليهم السلام على فاطمة عليها السلام. (١٠٦)

طريفة: عن النبي صلى الله عليه وآله حبّ الى من دنياكم النساء و الطيب و جعل قرّة عينى فى الصلوة (١٠٧) قيل لم يكن مراده صلى الله عليه وآله بهذا الخبر الا الصلوة وحدها حيث يزداد الصلوة بالتزوّج و التعطّر كما فى الاخبار.

طريفة: گویند بستن انگستان خنصر و بنصر از جانب مخالف يا هر دو جانب رعاف را باز مى دارد على ما جرّب.

طريفة: فى رسالة براء الساعة ان احبّ انسان براء هيجان عينه فى الحال اخذ الماء القراح و هو الماء الساذج فيغلى فيصب عليه شيئاً من الماء البارد و سقاه فيكون براء ذلك فى الساعة.

طريفة: قيل مما يشعر من اشعار ابن عربى على ادعائه بانه خاتم الولاية هذه



الآيات :

وما فاز بالختم الذي لمحمد ﷺ من أمة و العلم الأنا وحدي  
لقد بان لي رشدي و بانيت معلمي و لست بمجهول و لا انا بالمهدي  
فذلك من اهل البيت و هو محمد او احمد لا يدري و ربي به يهدي  
الى السنة المثلى صراط الهنا و عن امره العالى و هذا الذى يجدى

طريقة: قيل قال الشيخ محمد الحزّ (ره) فى جواب بعض المسائل الاحاديث  
الواردة فى ذم الصوفيه عموماً و خصوصاً و فى لعنهم و تكفيرهم و بطلان كل ما  
اختصوا به متواترة تقرب من الف حديث و ليس لها معارض.

طريقة: فى كشكول الشيخ احمد الاحسانى من مستطرفات السرائر لابن ادريس  
عن يونس ابن ظبيان قال دخلت على ابى عبد الله عليه السلام و به رمد شديد  
فاغتمت لذلك ثم اصبحتنا الى الغد فدخلنا عليه فاذا هو لا رمد بعينه و لا به علة  
فقلنا جعلت فداك هل عالجت عينك بشىء؟ فقال عليه السلام نعم فقلنا بما هو من العلاج  
فقال بعوده فكتبناها و هى: «أعوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَ أعوذُ بِقُدْرَةِ اللهِ أعوذُ بِنُورِ اللهِ وَ أعوذُ  
بِعَظَمَةِ اللهِ وَ أعوذُ بِجَلالِ اللهِ وَ أعوذُ بِبَهَاءِ اللهِ وَ أعوذُ بِجَمعِ اللهِ (قلنا و ما جمع الله؟  
قال بكلّ الله) وَ أعوذُ بِعَفْوِ اللهِ وَ أعوذُ بِغُفْرانِ اللهِ وَ أعوذُ بِرِسْولِ اللهِ وَ أعوذُ بِأَمِّتِهِ (وَ  
سمى واحداً واحداً على ما يشاء) مِنْ شَرِّ ما أَحْذَرُ اللّهُمَّ أَنْتَ رَبُّ الطَّيِّبِينَ» (١٠٨).

طريقة: فى كشكول الشيخ احمد الاحسانى : ميزان الاعتدال كتاب فى الرجال  
للذهبي من علماء المخالفين كبير محيط ليس لاصحابنا مثله فى الصحابة ذكر فيه ما  
معناه اردت الحجّ فلقيني زرارة بن اعين فقال لى إذا لقيت ابا عبد الله عليه السلام سألته عن  
ذلك و قلت له انّ زرارة قال لى كذا و كذا، فقال لى قل هو من اهل النار فتعجبت من

ذلك فقال لي من زعم أنني اعلم من في الجنة و من في النار فقال لي نعم فلما لقيت  
 ابا عبد الله عليه السلام سألته عن ذلك و قلت له انّ زرارة قال لي كذا و كذا فقال لي قل هو من  
 اهل النار فتعجبت من ذلك فقال لي من زعم أنني اعلم من في الجنة و من في النار  
 فهو في النار فلما رجعت و لقيت زرارة اخبرته بما قال فقال زرارة القى اليك من  
 جراب النورة (١٠٩).

طريقة: قيل اسم ابي طالب عليه السلام عبد مناف و اسم هاشم عليه السلام عمر.

طريقة: گویند هرگاه خون کنه را بر جائی مانند مو بیرون نیاورد.

طريقة: گویند کبریت با یک جزو نمک قلیا در قاروره مطین کنند بآتش زبل  
 خفیف یک شب بگذارند و صبح بیرون آورند و بهر یک جزو سه جزو آب شیرین  
 داخل کنند بجوشانند تا تمام آب را بخورد و بعد از آن در آب ریزند در ساعت حل  
 شود و مزج گردد و بکار برند.

طريقة: گویند در عمل شمسی ترکیب فضّه چهار مثقال زهره سه مثقال روح توتیا  
 نیم مثقال شمس نیم مثقال بهم بگذارند اعلا شود انشاء الله.

طريقة: گویند :

شش جزو زهره گر منقی سازی      یک جزو ز روح توتیا بگدازی

ماننده زهره نقره گریار کنی      معلوم کنی سرّ صفت پردازی

می ریز بریجه و همی آر برون      و آنگاه بکن با قمر و زر بازی

طريقة: گویند قلع منقی (یک و نیم) نحاس (یک) زیبق (نیم). قلع را گداخته با  
 وی ملقمه نماید بعد مس را گداخته ملقمه را در آن اندازد و مکرر گداخته در پول  
 ریخته قمر اعلا شود انشاء الله.

طريقة: هرگاه روح را با سفیداب قلع چنانکه ذکر شد ثابت کنی و با زبِق ملقمه نموده با رموز در طریقه سابقه از ک م ل و و پ ن ا چ ک ه که کلس شده باشد فرش و لحاف کرده تا زبِق نیز ثابت شود بعد از آن با نقره ضم کن اگر زود گداز شود قدری زهره منقی را با او ضم کن انشاء الله تعالی درست می شود فلیجرب.

طريقة: آثم گوید هرگاه کسی مایل بمصداق یکی از قواعد کیمیائی مذکوره در این کتاب شود بحقیقت آن واصل گردد هرگاه دید که صدق معنای شمس یا قمر بطور حقیقت بر آن نمی شود هر آینه از خدا بترسد و تدلیس نکند و بهرکس می فروشد صریحاً بگوید که این طلای معدنی و نقره معدنی نیست و بقید این وصف بفروش رساند و بعبارة اخری صریحاً بگوید این مصنوعی است و با این حیث می فروشم چنانکه مصنوعی را که بشوره و امثال آن درست می کنند صریحاً باین وصف می فروشند و هرکس عمل باین وصیت این عبد آثم نمی کند اگر عملی را از این کتاب فراگیرد بر او حرام و مورد مؤاخذه ملک علام قهر سلطان باد.

طريقة: قيل ان بعض الامم القديمة كانوا اذا خافوا وباء نهقوا نهيق الحمام يزعمون ان ذلك يمنعهم من الوباء وان منهم من يزعمون ان دماء الملوّن يشفي من الخبل و من يزعمون ان علاج حول البصر اقامة النظر الى حجر الرحي في دورانه و انها توجب استقامة العين و من معالجاتهم التي تعد اليوم الخرافة ان المجروح اذا شرب الماء مات.

طريقة: قيل في الحديث إذا بلغ الرجل من امتي الخمسين فليكل الحجامه.

طريقة: قيل لما بلغ معاوية (لعنه الله) خبر موت الاشر النخعي (رضي الله عنه)

بسبب غسل مسموم من دهقان من جانب معاوية قال ان لله جُنداً من العسل.

طریفه: قیل قال المثنی بن خارجه لان اموت عطشاً احبّ الی من ان اخلف وعداً.  
طریفه: گویند در این دوره حاضره مهارت اطباء جدید بحدی است که اعضاء  
رئیسه مرضی را که معیوب شده باشد می کند از ابدان ایشان و از ابدان اموات از  
انسان یا حیوان اعضاء رئیسه صحیحه آنها را بیرون آورده در اجواف آن مرضی قرار  
می دهند و بدین واسطه رفع امراض ایشان می کنند حتی آنکه یکی از ایشان که اسم  
آن دکتر کرل می باشد می گوید دفن اموات بتمامها اسراف است و می گویند چنانکه  
ممکن است از ساعت معیوبه مکسوره یکی از اجزاء صحیحه آن را بیرون آورند و  
در ساعت دیگر قرار دهند همچنین ابدان انسان و حیوان نیز این امر در آنها متصور و  
ممکن خواهد بود و ترقیات عملیه را مراتب غیر متناهی می باشد.

طریفه: قیل قال الاطباء الجدید وزان الکحول الذی یعنون به الماده السائله  
الفعاله الی هی روح الخمر و هی الساریه فی جمیع المسکرات هو مقدمه لداء السل  
فی شاریها و مدرجه للامراض العضاله فی الكلیتین و الكبده و اذا ورث ابن السکیر  
نقصاً تبع به الحال لان یكون جانباً او مجنوناً.

طریفه: قیل من الآراء الخرافیه ما هو شایع علی الألسن من انّ القهوة  
تساعد علی الهضم.

طریفه: قال بعض العلماء انّ الاسلام فی هذه الاعصار محجوب بالمسلمین الاشرار.  
طریفه: گویند از عادت قبیحه هنود از اهل آمریکا آن است که مجانین را باید  
بقتل رسانند و همچنین از عادت قبیحه آن است که بعد از دفن میت خود اگر آن  
میت را اسبی بوده باشد بیک دفعه هجوم می آورند بر سر آن اسب رجالا و نساء و  
به شمشیر و اسلحه آن حیوان را می کشند و پوست او را می کنند و گوشت او را

قطعه قطعه می کنند و در خانه آن میّت تا مدتی اهل او از آن می خورند و چشم و گوشها و سمهای او را بجهت تذکر آن میّت حفظ و ضبط می کنند تا آنکه یکی از وراثت قائم مقام او گردد.

طریفة: قيل ممّا ابداع من الصنایع العجیبة فی عصرنا هذا تلغراف بلاسلک (بی سیم) یوضع فی الجیب.

طریفة: قيل انّ عند اهل طبّ الافرنج انّ مضارّ التدخين لا تنحصر فی نیکوتین ای سمّه فقط بل انّ للدخان سموماً اخرى تصیب شاربیه و هی موجوده فی ترکیب ماده الدخان و هی البیریدین والکریزول و حامض الکربون و غیرها.

طریفة: قيل من معالجات اطباء الجدیدین للجنون استعمال مقدار کثیر معین من الافیون.

طریفة: گویند در خبر است آنکه تورات هزار سوره بود و هر سوره ای هزار آیه و هر آیه ای مقدار سوره بقره بود.

طریفة: قيل سأل اعرابی عن النبی ﷺ أ یوسف أحسن أم أبوک؟ قال ﷺ حسن یوسف علامة من آدم و قبل أنّه بعد الذنب ظهرت فیہ الادویة.

طریفة: گویند فرعون ملعون چهارصد سال عمر کرد و در این مدت او را بیماری عارض نشد و بیشتر غذای او مویز بود چنانکه در اخبار خواص بی شمار در مویز وارد شده.

طریفة: از ربیع منقول است آنکه چون تورات را از لوح نقل کردند یک جزو از اجزاء دوازده گانه بار هفتاد شتر بود که در عرض یک ماه نتوانستند خوانند.

طریفة: گویند پیش از خطاب الهی بحضرت مریم عليها السلام بلفظ «و هزی إلیک..» (۱۱۰)

روزی او بدون تکلف و سعی می‌رسید. مریم علیها السلام سبب را از حضرت حق پرسید  
جواب او آمد آنکه در قبل حالت تجرد ترا بود و الحال تعلق قلب داری  
بفرزندات عیسی علیه السلام.

طریفة: گویند هنگامی که مائده آسمانی از برای قوم حضرت عیسی علیه السلام نزول  
یافت روی آن خوان بزیر و پشت آن باآسمان بود.

طریفة: گویند در بعضی از تفاسیر وارد شده که اسم حضرت رسول صلی الله علیه و آله محمد  
و محمود و احمد است و محمد از محمود بلیغ‌تر و احمد از هر دو بلیغ‌تر است.

طریفة: گویند نماز بصورت احمد است «الف» بصورت قیام «باء» بصورت رکوع  
«میم» بصورت سجدة «دال» بصورت قعود.

طریفة: گویند سلمان زواق تفسیر کرده «الف شهر» در سوره قدر را به هزار شهر  
که ملک سلیمان علیه السلام و ملک ذوالقرنین که هزار ماه بود.

طریفة: گویند در عهد چنگیزخان صیادی زنبوری را تعلیم کرده بود که چشم  
پلنگ را نیش می‌زد روزی در حضور آن سلطان این صید را نشان داد پادشاه مذکور  
حکم نمود آن زنبور را کشتند و دست صیاد را بریدند و فرمود هر خرد که بر بزرگی  
دلیری کند جزای او این است.

طریفة: در مصباح الشریعة آورده «العبودية جوهرة كنهها الربوبية فما فقد في  
العبودية وجد في الربوبية و ما خفي في الربوبية اصيب في العبودية»<sup>(۱۱۱)</sup> بعضی این  
حدیث را باین طور معنی کرده‌اند که عبودیت یعنی مخلوقیت کنه آن که حدوث  
باشد خبر از موجد و صانع می‌دهد و آنچه در مخلوق نیست از صفات واجبیه در  
ربوبیه یافت می‌شود و آنچه در مخلوق است از صفات کمالیه اصلا آن را در واجب

باید دانست علی حسب التکلیف.

طریفة: گویند تخمیر عقرب یعنی کبریت بدین گونه است: عقرب، نمک طعام  
نوشادر باهم صلایه کن تا غبار شود بعد از آن در دیگ کن و سرش محکم و یک  
شبانہ روز آتش کن تا بگدازد و بگذار تا سرد شود (۳) از این ادویہ را با (۷) زبیق  
صلایه کند و در شیشہ مسدود الراس در تنور خبازان نهد تا سرد شود بغایت سرخ  
یک برده قمر طرح کند شمس شود انشاء الله.

طریفة: در نسخه عقیقہ ای مرقوم شده بود آنکہ هرکس این دعا را هفت صبح بر  
هفت دانہ مویز خواندہ بخورد خداوند تعالی حفظ عظیمی باو کرامت فرماید و  
بتجربہ رسیدہ: «اللَّهُمَّ نَوِّرْ بکتابک قلبی و اشرح لی صدري و اطلق به لساني بحولک  
و لا قوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».

طریفة: گویند تعلیق کهربا بر معدہ منع تخمہ می کند و با خود داشتن آن جهت  
تقویت دل و رفع خوف طاعون نافع است.

طریفة: گویند چون آب زیره را بر بدن مولود در حین ولادت بمالند تا بخاصیة در  
مدت العمر منع تولد قمل می کند و از مجربات شمرده اند.

طریفة: من طلب العلم فلیواظب علی قوله تعالی «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا».

طریفة: لا ادری:

سخن چونیک نگوئی هزار نیست یکی ولی چونیک بگوئی یکی هزار بود  
طریفة: قیل فی هذه الأذکار «یا هو، یا من هو، یا من لا إله إلا هو، یا من لا هو إلا هو»  
انّ الاوّل فناء عمّا سِوَى الله و الثانی فناء فی الله و الثالث فناء عمّا سِوَى الذات و  
الرابع فناء عن الفناء عمّا سِوَى الذات.

طريفة: گویند در یکی از احادیث وارد است مفاد آنکه خدا را در زمین بندگان خالصی است که هیچ تحفه‌ای بزمین نمی‌فرستد مگر آنکه از ایشان باز می‌دارد و هیچ بلائی نمی‌فرستد مگر آنکه بسوی ایشان می‌فرستد.

طريفة: قيل وجوب التوبة عن الآثام كوجوب رفع السموم المهلكة عن الأجسام فإن سمية الذنب واهلاكه في القلوب اشدّ من سمية السموم في القوالب فتصبر.  
طريفة: قيل نسبة العادة الى الطبع كنسبة الشرع الى العقل وكان العادة طبع من خارج كما انّ الطبع عادة من داخل و يتظاهران و يتعاضدان إلى أن يصيرا كأنهما متحدان و العرف اخس الخمسة و مع ذلك يحكم على الجميع في اكثر الناس قال بعض الحكماء رؤوس الشياطين ثلثة : شوائب الطبيعية و وساوس العادة و نواميس العامة.

طريفة: قيل : در دل اهل دل بوقت طعام گندمی کژدمی بود بحرام.  
طريفة: قيل اول من اثبت الاجسام الكون عنصراً ترجع اليه بعد التحليل ولو كان تحليلاً فرضياً انما هو طاليس المليطي قبل الميلاد لستة قرون على ما دلنا التاريخ فقال إنّ الماء هو الأصل الأوّل لكلّ شيء و انّ الأرض ليست الا ماء جمد و الهواء ماء ثقيل الزنة و انّ جميع الاشياء تتغير دائماً من حالة إلى حالة إلى أن يؤول امرها إلى رجوعها ماءً فأثبت للموادّ بامرها عنصراً واحداً هو الماء و انّ غيره يرجع اليه بعد تغيرات تعرضه و هذا الرأي قريب جداً ممّا صرحت به الكتب السماوية و مقالات شريعة الاسلام تعاضد فحواه و كذا لك اصول الفلسفة الحديثية بأدنى تصرف في التعبير.

طريفة: قيل من اهمّ العناصر المكتشفة اخيراً «الراديوم» كلمة يوم على وزن ثوم



بمعنى العنصر و اول من عثر عليه (مسيوبكريم) فى معدن اوزان ، و يقولون انّ  
غرامان من الراديوم يستحصل من ٣٠ الف پوند (٧٠٠٠٠ خروار) الاوزان . و من  
لطيف ما جرى على كاشفه انه حين ما حمل الزاد الى لندن لأجل استيضاح احواله  
وضعه فى انبوبة من زجاج فى جيبه على صدره فلاحت حُمرة على جلده بعد ١٥  
يوماً و اعقبت تلك الحمرة مرضاً شديداً عليه ما برء الكاشف منه الا بمعالجات  
صبغة و هذا العنصر له آثار جلييلة و فوائد جزيلة تفضل على الاكسبر الموهوم بكثير و  
الله اعلم بما خلق و هو اللطيف الخبير.

طريقة: قيل من اراد عمل الحبر الكوبيا (اى الحبر الذى بعد أن يكتب به على ورق  
ينقل الى ورقة ثانية) فليأخذ من الحبر الاعتيادى ثلاثة اجزاء و يذوب به جزءاً واحداً  
من سكر النبات فيصير معه الحبر المطلوب.

طريقة: قيل صفة صنعة الحبر الصيفى هى أن تأخذ من هباب الدخان ما شئت و  
ليكن ناعماً جداً و اعجنه بصبغة الكاد الهندى ثم ضعه على نار هادية ليصير شديداً  
القوام فهذا المكرب اذا حلّ منه بالماء يكون حبراً سوداً جالكاماً.

طريقة: قيل لحفظ الحبر و المداد من الغض و الفساد ضع فى كل ٣٠٠ درهم حبر  
قطعه من ملح الطعام بقدر البدقة.

طريقة: گویند اصطلاح اطباء و حکماء در نفس و روح بر تعاكس می باشد چه  
نفس در اصطلاح اطباء ارفع از روح است که روح بخارى باشد و نفس انسانى و در  
اصطلاح حکماء روح ارفع از نفس است که نفس طبيعت باشد و روح ملكوتى و در  
اصطلاح شرع بر حسب آية شريفة «الله يتوفى الأنفس حين موتها» نفس آن قوه اى را  
گویند که ماده عقل و تمیز است و روح آنچه نفس و حرکت بان قائم است چنانکه

مضمون مذکور از ابن عباس منقول است.

طریفة: قيل من الفروق بين العلم و المعرفة أنه يعتبر في العلم الاحاطة بالعلوم و حصوله للعالم و لا يعتبر في المعرفة و لذا يقال عرفت الله و لا يقال علمت الله.

طریفة: عن النبي ﷺ من أراد أن يوتيه الله علماً بغير تعلم و هدى بغير هداية فلتيزهد في الدنيا<sup>(۱۱۲)</sup> قيل الوجه السرى ان العلم مكنون في كمن النفس و اذ يرفع الأمراض المعنوية لظهر و هذا الرفع هو التزهّد المذكور في الحديث فتأمل .

طریفة: در روایتی است که حضرت ابی الحسن علیه السلام بعلی بن یقظین (ره) فرمودند: ضامن شو تو از برای من یک مطلب را تا من ضامن شوم از برای تو سه چیز عرض کرد آن و آنها چیست فرمودند: اما آن سه چیز اول آنکه هرگز حرارت آهن بتو نرسد یعنی ترا نکشند و هرگز فقیر نشوی و هرگز بحبس و زندان نیفتی و اما آن یک چیز این است که هر وقت یکی از دوستان ما پیش تو می آید باید همیشه او را اکرام نمائی پس علی بن یقظین ضامن شد و آن حضرت نیز ضامن<sup>(۱۱۳)</sup>.

طریفة: در حدیثی است که حضرت کلیم علیه السلام کلام خدا را از جمیع جهات و جمیع اعضا می شنید قيل وجه ذلك أنه تعالى هو الأوّل و الآخر و الظاهر و الباطن قيل المراد من الأوّل عالم العقل بحسب المبدأ في القوس النزولی و من الآخر العالم المذكور بحسب الإنتها في القوس الصعودی و من الظاهر مقام الواحدیة و الالوهیة و من الباطن مقام الاحدیة و الغیب المطلق و قيل انطباقها على العوالم الاربعه النزولية اعنى الأهوت و الجبروت و الملكوت و الناسوت فتأمل .

طریفة: قيل اوليته تعالى عين آخريته و آخريته عين اوليته من غير ابتداء و لا نهاية

كما استفيد من الاخبار.

طریفة: گویند اگر قلعی را آب کنند و خوب گداخته شود با قدری زفت رومی اسقیل کوبیده در عمل قمری بکار آید چون خواهی بکاربری بگیری آب پیاز یک سیر پس بگیر طلق مخلوب را و بر روی وی ریز این آب را بعد از آن فتیله و سه شبانه روز تحریک می کن هر روز پنج بار که نحیل می شود چون حل شد بگیر از این آب درهمی و از زیبق ده درهم و هر دورا با هم آمیزد در سوبه قصب فارسی کن یعنی در نی و مطین کن در خمیر آرد جو و شعیر و خشک ساز پس یک روز در آتش زبل اسب نه و بیرون آر منعقد شده باشد، درهمی از این بر ده درم رصاص کن که قائم گرداند بر خلاص انشاء الله تعالی و بعونه العزیز الحلیم.

طریفة: گویند مریخ با علم و ملح قلی مذوب گردد و بشمس ممتزج شود و صبغ ثابت دهد آن شمس منصبع قمر را منصبع کند.

طریفة: گویند طریق حل کردن مریخ آن است که بیاورد براده مریخ را و بآب نمک بشوید مکرر و بآب صافی نیز بشوید تا روشن شود پس خشک کند و در تیزاب اشخار و فلفل مسحوق اندازد و در بوته آهنین و آتش نرم کند تا آب نشف کند و بجوشاند تا هفت بار که آن براده حل شود بر مثال سیماب این محلول جذب رطوبات و عقد طیارات کند و مشتری را محکم سازد.

طریفة: گویند آب برنج که بیست روز در آفتاب گذارند تیزاب شود و طلق را حل نماید والله العالم.

طریفة: حضرت مستطاب ثقة الاسلام استادی العلام القمقام آقای حاجی میزرا یحیی اصفهانی بیدآبادی اعلی الله مقامه فی دار السلام که یکی از تلامیذ حضرت مستطاب آیه الله الباری شیخ مرتضی انصاری (قدس سره) بودند می فرمودند شیخ

استاد مذکور بتلامذه خود وصیت فرمودند که سه خصلت است که یکی از آنها را خواه قصد قربت داشته باشید یا نه اتیان نمائید و یکی از آنها را خواه قصد قربت داشته یا نه ترک نمائید و یکی از آنها را هرگاه قصد قربت داشتید اتیان و هرگاه قصد قربت ندارید ترک نمائید. اولی مباحثه و مدارسه علمیه می باشد و دومی مرافعه و قضاوت کردن و سیمی امامت در نماز جماعت کردن است و لقد اجاد فیما افاد من الوعظ الوقاد افاض الله تعالی علی روحه الشریف صنوف الإرفاد.

طریقه: آن بزرگوار براقم آثم فرمودند از یکی از اساتید اذن و اجازه احضار جن گرفتم طریقه و دستوری داد که در یک اربعین در خانه خلوت نظیف آن را با بخورات مقرره معمول دارم بعد از عمل و رسیدن روز چهارم در اطاق خلوت مشغول اوراد و عزائم مقرره بودم و مجمر آتش بخورات نیز موجود بود که ناگاه دیدم از سقف اطاق چند نفر بقامت اطفال که گویا پارچه نازکی بر روی آنها بود فرود آمدند و در یک سمت اطاق نشستند و مشغول صحبت و مکالمه با یکدیگر شدند من صحبت آنها را گوش می کردم و می شنیدم یکی از ایشان بانها گفت که این شخص بجهت چه چیز مشغول این کار شده یکی در جواب گفت این شخص می خواهد از ما اسم اعظم الهی را فرا گیرد آن شخص اولی گفت که بمحمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله قسم که صلاح ما و صلاح او نیست زیرا که در میان ما جنگ واقع خواهد گردید و موجب هلاکت او خواهد شد. فرمودند من چون این کلام را از ایشان شنیدم دست از عمل کشیده عزائم را قطع نمودم آن چند نفر نیز از نظرم مخفی گردیدند و یکی از اساتید راقم آثم می فرمود که اغلب از طائفه جن دروغ بسیار می گویند.

طريفة: ممّا يمكن ان يقال على سبيل الاحتمال ان للنبيّ و الإمام عليهما السلام ابداناً مختلفة متطورة من المثالي اللّبي و المثالي العنصرى اللّبي و العنصرى القشرى و انّ نسبة الكل غير الاخير الى ساير ابدان من سواهم كنسبة الروح الى البدن و أنّها اشداء الشاب و القوام لا يتطرق اليها دثور و فساد و انفصام امّا الأخير فهو كاللباس الساتر الطارى اخذاه باختيارهما كالعوارى و هو كالثالب الاسدى الذى ربّما تقلب فيه اميرالمؤمنين اسدالله الغالب عليه السلام و هو ممّا يقبل الدثور و البلى و هذا ينحل اشكال ما فى بعض الاحاديث مفاداً «انّ ميّتنا إذا مات لم يمت و إذا بلى فما هو ببال» (۱۱۴) فتأمل و افهم.

طريفة: از مجمع البيان نقلاً از ابن عباس مروى است كه أنّما بعث الرسول من الإنس ثم كان يرسل هو إلى الجن رسولاً من الجنّ. و عن العيون هل بعث الله نبياً الى الجنّ؟ فقال عليه السلام نعم بعث إليهم رسولاً يقال له يوسف و فى نسخة يوسف بن يانان فدعاهم الى الله تعالى فقتلوه و هذا كان مبعوثاً عليهم قبل أن يخلق آدم عليه السلام.

طريفة: يستفاد من بعض الاحاديث انّ نار السّموم التى خلق منها الجان ليس لها حرّ و لا دخان .

طريفة: از مرحوم مبرور عماد الاسلام و سناد العلماء الأصفياء الاعلام آخوند حاجى ملا فتحعلى سلطان آبادى قدس سره منقول است كه فرمودند : در زمان ارتحال مرحوم آية الله سيد بحر العلوم (رض) نوحه جن بجهت فقدان آن جناب از سرداب خانه او استماع شد چنانكه يكى از اعظم علماء معاصرین ما از خود مرحوم حاج مذکور این حکایت را استماع فرموده.

طريفة: و ايضاً جناب مستطاب معاصر مفخم مذکور در كتاب مبارك خود كه

مسمی است به (منبر الوسيلة) می فرماید ملخصاً و مفاداً آنکه جناب میرزا محمد  
 علی نام رشتی که از تلامذه مرحوم فاضل اردکانی بود روزی گفتند فلانی تو خیلی  
 زحمت مرا کشیدی می خواهم یک چیزی بتو بدهم بایشان گفتم یعنی چه چه چیز  
 گفتم احضار جن ، من گفتم اولاً شما خودتان بنمائید من ملاحظه کنم ، آیه «قل  
 اوحی» را تا آخر خواندند فرمودند حاضرند هر چه می خواهی سؤال کن من انگشتر  
 فیروزه‌ای که در انگشت داشتم مخفیاً در دست گرفتم ایشان گفتند می گویند انگشتر  
 فیروزه بدست راست گرفتی و من گفتم می خواهم خودم بشنوم و انگشتر را بدست  
 چپ دادم صدای ضعیف باریکی از زیر تخت حوض که روی او نشسته بود شنیدم  
 گفت : انگشتر فیروزه بدست چپ دارید تا آنکه می فرمایند بعد از آن نسخه دعای  
 قریثا بمن دادند و دستور العملی دادند که در صندوقخانه حجره که جای تنگ و  
 تاریک باشد بجهت جمعیت حواس مشغول باشم حقیر قدری تامل نمودم بعضی  
 از چیزهای او را بقول مقدسین اشکال نمودم گفتم جناب میرزا من از ایتفات شما در  
 گذشتم و بهمان اخلاص باقیم. خیلی تعجب کردند متفکر شدند گفتند من بزحمت  
 ها این عمل را بدست آوردم تو میگوئی نمی خواهم. انتهی کلامه زید اکرامه.  
 طریفة: یکی از علماء معاصرین از اهل بیرجند نقل فرمودند از جناب حاج  
 مذکور آنکه یکی از صلحا عظام را خود ملاقات نمودیم که از جهت تصرف تقوایی  
 و عبادتی بمقامی رسیده بود که جمع کثیری را بمطبخ در دیگچه کوچکی ضیافت  
 کرد و همگی را کفایت نمود.

طریفة: صاحب کتاب مبارک منبر الوسيله مذکور نقل نموده ما مفاده ملخصاً آنکه  
 روزی مرحوم سید بحر العلوم مذکور اعلی الله مقامه در روز شدید الحرّی از کربلای

معلی بیرون آمد بعزم نجف اشرف چون از شهر و باغات او گذشتند ابری مخصوص پیدا شده و بر سر آن بزرگوار و همراهان ایشان سایه افکن گردیده و آن غمامه همراه ایشان بوده تا بکاروانسرای شور رسیدند.

طریفة: در مخزن می فرماید حل طلق بطریق اسهل: صابون حلبی را بطلق بمالند و طلق را در بوته کرده بآتش برافروزند و بعد از آن بطریق جواهر روی سنگ سماق صلایه نموده استعمال نمایند.

طریفة: گویند لرؤية المطلوب فی المنام بر دست راست بخوابد و هفت بار بگوید «یاأخی اخفربی» و هفت بار دیگر «اخفربی یاأخی» و بخوابد و با کسی تکلم ننماید، آنچه مطلوب است باو گفته شود انشاءالله تعالی.

طریفة: قیل إذا أردت أن تعلم أئی الزوجین یموت قبل صاحبه فاحتسب اسم الرجل و اسم المرثة و القی من الجملة واحدة و القی ما اجتمع معه كل سبعة سبعة فإن فضل زوج، ماتت المرّة قبل الرجل، و إن فضل فرد، مات الرجل قبلها.

طریفة: گویند هر که سه حرف نورانی که در آیه «و الله یسجد ما فی السموات و ما فی الأرض من دابة و الملائكة و هم لا یتکبرون، یخافون ربهم من فوقهم و یفعلون ما یؤمرون» بنویسد و ۶۰ حرف سین برگرداگرد او بنویسد بدور آن و سه اسم بر تحت او بنویسد اولی «یا حی» دوم «یا مهلک» سوم «یا ملک» و درجائی با بوی خوش بنهد، غائب زود بیاید و نام غائب را در تحت او بنویسد.

طریفة: گویند بجهت زکام هفت عدد خرما را در سرکه ترش نهد و در شبنم گذارد

هر صبح بناشتا بخورد یک عدد خرما را و قدری از آن را شب بخورد نافع باشد.

طریفة: گویند از برای دفع صلابت قمر باید سمّ الفار و رشته قلم را گرفته هر یک را جدا صلایه نموده در وقت جوشیدن قدری از آن.

طریفة: گویند هر گاه شاهتره را بجوشانند و آبش را بریزند و ببینند زکام را نافع خواهد بود.

طریفة: قیل فی تبيض النحاس تنفع العاقرقرحا و الملح و الخل ثلث ایام ثم تحمی النحاس و تطفیه فی هذا الخل كذلك اثنی عشرة فیصیر النحاس مثل الرصاص لینا و بیاضاً.

طریفة: گویند در تنقیه زهره تا همچو نقره سفید شود بستاند بوره و شب و زاج و نوشادر و کف دریا و تنکار مجموع را سحق کند پس زهره را بگذارد و اندک اندک طرح کند تا همچو برف سفید شود اما همه برابر باشد.

طریفة: گویند تنقیه زهره بجهت شمس ، زهره را آب کند و در میان شیره بریزد سه مرتبه .

طریفة: در نسخه‌ای نوشته بود آنکه هرگاه زاک را پی «پیه» زنند موم می شود.

طریفة: ایضاً چون خواهد کاری را شروع کند که زود تمام و عاقبت او بخیر گردد

زنج را بر سر زانو نهد و سه مرتبه بخواند «سهلاً بفضلک یا عزیز».

طریفة: گویند بجهت پاک کردن نوشته از کاغذ سفیداب قلعی را نرم سوده بهمان



وزن صمغ عربی را گداخته سفیداب را با صمغ عربی قرص سازد هرگاه خواهد از آن قرص قدری تر نموده بسر قلمتراش بر بالای مرکب نوشته و غیره بمالد و بگذارد که خشک شود چون سر قلمتراش بمرکب رسد تمام از روی کاغذ محو شود بی آنکه جای خط معلوم شود.

طریفة: گویند پوست تخم مرغ نفوخ سوخته او بقدری که سیاه شود و خاکستری نگردد جهت رعاف (۱۱۵) مهلك مجرب است.

طریفة: گویند نور حلو شیرۀ او با شکر جهت سرفه مجرب است.

طریفة: گویند روغن زخم آن است که روغن بید انجیر خالص و مساوی آن آهک آب ندیده اعلائی تازه صلابه نموده در آن ریزد و نصف روز بگذارد و بطریق قرع و انبیب یا تنکیس روغن بچکاند جهت همه زخمهایی عدیل است.

طریفة: گویند تریاک مصنوعی عملی آن است که به را در کهنه نم دار پیچیده در زیر خاکستر پخته کند بعد آن را با تریاک مساوی صلابه کند یکی شود.

طریفة: گویند سوره «ا ک ن و ا ل ف ا ن د ح ز ف ل ع ن ص ا» را سیزده مرتبه بر نمک بخواند و بر «ا ص ث ع ش» اندازد «ی ک ل ح ق ض ک ر».

طریفة: گویند بجهت «ا ن ح ک ض ف ا م ر» چهارصد و چهل و چهار مرتبه بخواند تمام نشده مقصود حاصل گردد انشاء الله یا مقلب القوب به نیت امر مذکور.

طریفة: گویند «یا بصیر» را هرگاه در لوح گذارد و با خود دارد هر آرزویی که از خدا طلب نماید البته حاجت او روا شود و سیصد و دو نوبت یا بصیر بگوید لوح این است:

ب	ص	ر	ی
ا	ن	ح	ک
ض	ف	ا	م
ر	ا	ص	ث

طریفة: گویند بجهت قضای حوائج نظر کند بآسمان و بگوید: «بسم الله الرحمن الرحيم» سه مرتبه پس حاجت را بخواهد و باید پلکهای چشم را بر هم نزند.

طریفة: گویند از ابو جعفر بن بابویه قمی مروی است آنکه هر که این دعا را هفتاد و یک مرتبه بخواند اگر در روز باشد شب بمتصود رسد «یا حیّ یا قیوم یا حلیم یوم لا ینفع مالٌ ولا بنونٌ إلا من أتى الله بقلبٍ سلیمٍ و أزلّفت الجنة للمتّقین غیر بعید»

طریفة: گویند هر کس یک حروف ظلمانی که از بسم الله است مثل «ب» بنویسد و شش ۶ حرف سین برگرد او بنویسد و نام شخصی که خواسته باشد  $\frac{1}{8} \frac{1}{4} \frac{2}{3}$  شود در زیر ظلمانی که میان است بنویسد و در دیوار رو بقبله نهد مجرب است که غائب شود و الله العالم.

طریفة: گویند از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که بجهت حصول مراد این ذکر را بعد از نماز صبح دوازده نوبت بخواند در همان روز بمراد رسد و مجرب است: «بسم الله الرحمن الرحيم توکلت علی الحیّ الذی لا یموت و الحمد لله... الی کبره تکبیراً».

طریفة: در نسخه‌ای نوشته بود که قرطاس رقیق بر طرفین درهم یا دینار گذارد و بفشارد که سکه بردارد و بعد کاغذ را برهم بچسباند و در زیر مصلی گذاشته دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت حمد و آیه الکرسی و آیه «و عنده مفاتح الغیب... تا مبین» بخواند و در سجده آخر آیه را بخواند و بیرون آورد درهم شود در وقت طلوع آفتاب یکشنبه.

طریفة: قیل:

خوردن خشخاش آرد خواب را رغبتش کن ای ز بیداری سقیم

سرعت انزال اگر داری دهد      سرعت انزال را نفع عظیم

طریقه: ایضاً گویند مبالغه اطباء در معالجه بحدی است که اگر کسی در خواب  
ببند که سرسم است همان ساعت که بیدار شود فصد کند و دوا خورد.

طریقه: ایضاً گویند پیاز را که او را بصلیه گویند بجهت زیادتی منی و قوت باه و از  
برای سرد مزاج نافع بود و مضر است از برای محرورین و مصلح او زرشکیا و  
سمافیا طریقه او آن است که گوشت را قیمه کنند و در روغن بریان کنند و دو وزن  
گوشت پیاز ریخته و قدری دارچینی و زیره و گشنیز و نمک در هم آویزند و بپزند تا  
مهر شود و آن قدر آب داشته باشد که نسوزد و اگر زردچوبه و زعفران داخل کنند  
بهرتر باشد و بجهت مبرود اگر سیر داخل کنند انفع اشیاء است.

طریقه: ایضاً چون آهک و برگ توت کوفته و بیخته بروغن دنبه سرشته برزخم  
مار و عقرب نهند درد را بالخاصیه ساکن گرداند و یا قدری کوفته و بدوشاب سرشته  
فی الحال درد را ساکن کند و همچنین چرک گوش خمیر و سریش بسرکه تر کرده و  
ورق الکرم و مغز جوز و انجیر و سیر کوفته و اگر سیر را کوفته بر موضع نیش مار  
گذارند زهر کار نکند و در ضرر هوام موذی تریاقی نیست چون مس خراطینی و هیچ  
تریاقی بآن نرسد و صفت آن در کتب طبییه مذکور است فلیرجع الیها.

طریقه: گویند حلاب در اصطلاح اطباء غیر از گلاب فقط است بلکه مراد از آن  
شکر گلابی است بطریقی که معمول ایشان است و می سازند.

طریقه: گویند القاهر بالله که از خلفای بنی عباس بود و مرد قاهر جابری بود چون  
چشم او را کردند تا سی سال دیگر زندگانی کرد و بردرهای مساجد و مدارس  
می ایستاد و میگفت ایها الناس خلیفه خدا را چیزی بدهید ایها الناس امام و پیشوای

خود را رعایت کنید.

طریفة: از جمله چیزهایی که موجب ضعف چشم می شود نگاه کردن در چشمه آفتاب و هر درخشنده و مطالعه خطوط خفیه و سربرهنه در آفتاب گشتن و بریان و کباب تنوری و سیر و پیاز و عدس و باقلا و گوشت قدید و سرکه و چیزهای شور خوردن و شب دیر غذا خوردن و برامتلائی معده خوابیدن و روز بسیار خوابیدن و در تاریکی مکث کردن و در جرم خورشید منکسف نگاه کردن است. و بسا موجب عمی شود و فریاد کردن و آب بسیار خوردن و صبر بر تشنگی و ترشی خوردن و یخ و برف خوردن و بر چیز سیاه نگاه کردن. و از آنچه موجب قوه چشم می شود آب بادیان ساده و با شکر کشیدن است و از آن بهتر آب انار ترش و آب بادیان و زهره گاو و عسلی که آتش ندیده باشد و اکتحال آن نفع بسیار می دهد و اکتحال به زعفران چشم را جلا می دهد و چکانیدن گلاب در چشم و چشم را بآن شستن صحت آن را نگاه می دارد و باصره را قوی میکند و بوئیدن شکر در هر شبانگاه روزی چند بار از برای قوه باصره مشایخ نافع بود و کذا سعوط باب بیخ سلق و نظر کردن در چشم گورخر موجب صحت چشم و منع نزول آب خواهد بود و نظر کردن به دُب اصغر که کوبی است مشهور و بتقطب و جدی هر علتی که در چشم حادث گردد زایل گرداند و قوه دهد و مالیدن دست و پا قوه باصره را زیاد کند و اگر کسی انگشتر فیروزه خالص خوب در انگشت کند هرگز کور نشود و محتاج بعینک نگردد انشاء الله و قوه کحلها تا یک سال است مگر کحلهای از احجار معدنیه که سالها قوه آنها باقی است و داروهای چشم را باید در آبگینه نگاه دارند.

طریفة: در کتاب مذبور مذکور است در باب حبهای امساک منی از آن جمله این است که بسیار نافع است هم امساک کند و هم قوت بیفزاید و هم عنین را که نزد مقاربت انزال شود سود دارد و سرعت انزال را زایل کند اجزایش هفت است بغیر عسل و قند و شربت آن مقدار در هر طبعی که اندک تحذیر آورد و هر حبی برابر بنقی<sup>(۱۲۰)</sup> و عنین تا یک ماه استعمال کند و غیر آن تا مراد برآید ص جوز ابوابسبابسه دارچینی قرنفل حرمل افیون مکد یکدرم کنجد سیاه شش درم همه را سائیده افیون را در عسل حل کنند و با بیست و پنج مثقال قند سفید حب کنند تا آنکه گوید این حب مستعمل این ضعیف است و از این حکایتهاست الخ.

طریفة: ایضاً حرمل، زنجبیل، نخود بریان، قند سحق کنند مساوی و حبهها کنند مقدار نبق و هر شام مقدار یک رطل شیر گاو و شیر گرم در عقبش می خورند و تا دو حب و بیشتر توان خوردن.

طریفة: ایضاً دندان مار ربع را زائل کند و شاخ سوده گاو در طعام همچنین و استخوان که بر کنار بال خروس است چون بر مربع بمالند رفع تب کند و تعلیق چشم راست خروس چون در خرقه پیچیده همان نفع دهد و تار عنکبوت که کتیف تنیده بدستور.

طریفة: ایضاً اگر قولنجی بر پوست گرگ نشیند و بر آن خسبد نفع تمام دهد و اگر کمری از آن سازند و بر میان بندند و هر سال کمر را نو کنند همچنین است. و همچنین عقرب سوخته همین عمل کند و قرن ابل محرق و جع قولنج شدید مهلک را در دم شفاء دهد چون یک مثقال از آن را بیاشامد.

طریفة: ایضاً حب شبیار يستعمل باللیل و ینام علیه یفعل فعله و لا یؤذی و هو

ینقی الدماغ والمعدة و یسهل اسهالا خفینا ص صبر مغسول دو درم، مصطلکی نیم درم، کوفته و بیخته بآب بادیان حَب کنند و همه یک شربت است.

طریفة: گویند مضمضه زیره کرمانی که طبخ یافته باشد مسکن درد دندان و نزلات خصوصاً با صعتر خواهد بود.

طریفة: گویند خائیدن کُندر بجهت سرفه رطوبی و تقویت لثه و دندان نافع است و چون یک مثقال او را در آب خیسانند و آن آب را بنوشند و مداومت بآن نمایند جهت رفع نسیان از مجربات دانسته اند ولیکن اکثراً آن باعث جنون و جذام خواهد بود.

طریفة: گویند همراه داشتن کهرباء بجهت تقویت دل و رفع خوف طاعون نافع خواهد بود.

طریفة: گویند:

شبه را در زجاج سوده بگداز	همان تا سرد گردد بوته سرباز
زجاج سوده ار ماند در او زیر	میان اندر شبه ای ماه کشمیر
بروز آید بمانند زر پاک	که قرنی خفته باشد در دل خاک

طریفة: گویند در بیان عمل حملانی قمری آنکه بستان زرنیج سرخ یا زرد چند آنکه خواهی و باز رده تخم مرغ بغایت نیک بکوب و آن را در پاتیله کن و شیر تازه بر وی بریز که کف از وی گرفته باشند و بآتش بجوشان تا شیر تمام برود و باز او را بکوب کوفتنی نیک بعد از آن در شیشه کن و بگل حکمت ببند و دو سروی گیر

بآهک و سفیده تخم مرغ و در تنوری نه که تافته باشند و یک شب بگذار چون سرد شود بیرون آر بعد از آن بگیر مس را و بگداز و در آب قلیا یا آهک ریز چند نوبت تا نیکو پاکیزه گردد پس از آن زرنیخ بد را مثقالی برده مثقال از این مس پاک کرده مطهر طرح کن سفید گردد بعد از آن برابر با نقره خالص بگداز حملانی باشد در غایت خوبی و پاکی.

طریفة: گویند در وصایای رسول خدا ﷺ بحضرت امیر علیؑ است آنکه هر که در وقت طلوع آفتاب هفت مرتبه سوره فاتحه الکتاب و هفت مرتبه آیه الکرسی و هفت مرتبه قل أعوذ را بخواند و بعد از آن هفت مرتبه بخواند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» تا مدت یک سال فرشته دست چپ گناهان او را ننویسد و محفوظ از همه آفات و نیک بخت دو جهان گردد.

طریفة: قبل إذا رأيت رؤيا في المنام فانظر الى الليلة التي أنت فيها كم من الشهر ثم خذ بعدد الليالي سوراً من القرآن من اولى الى ليلة الرويا ثم خذ من السورة الأخيرة بعدد السور آيات فالآية الأخيرة تفسيرها تعبیر الرؤيا والله العالم.

طریفة: قبل اذا نفع العصف في الخل سوّد الشعر.

طریفة: در اخبار اهلبیت علیهم السلام بجهت رفع و دفع خستگی پیادگان در سفر امر به نَسْلان فرموده‌اند و نَسْلان مثل هیجان بمعنی سرعت در مشی است.

طریفة: گویند فوتنج تریاق ذوات السموم است کُلّها.

طریفة: گویند سیر مشوی بجهت درد دندان متاکل نافع است.

طريقة: گویند فجل کففل که ترب باشد خوردن آن بعد از طعام هاضم و بعد از آن مطفی حرارت است.

طريقة: لفظ متاخم که علمای شرع در ظنون استعمال می کنند بر وزن مناسب است از باب مفاعله بمعنای هم حدّ بودن است که از تخوم بمعنای حدود باشد.

طريقة: قيل: قال مولانا الصادق عليه السلام لرجل خراساني اشتكى من وجع الرأس قم من ساعتك هذه فادخل الحمام و لا تبتدء ان بشيء حتى تصب على رأسك سبعة اكف ماء حار و سم الله تعالى في كل مرة فأنتك لا تشتكى بعد ذلك انشاء الله تعالى (١٢١).

طريقة: من عجب خواص الدهنج إنه إذا سقى انسان من محكوكه يفعل فعل السمّ و إن سقى شارب السمّ نفعه.

طريقة: قيل الملح اكّال للحوم الزائدة و يشدّ اللثة المسترخية خصوصاً الاندراني و هو الذي كالبلور.

طريقة: قيل إن غسل الارز ثم جفّف ثم قلى ثم رضّ فطبخ ثم اكل بالشحم فهو نافع من الزحير كما روى عن الصادق عليه السلام.

طريقة: قيل ان شويت جوزة بالنار و اكله نفعت من المقص كما في الحديث .

طريقة: قيل ان دوق وزن دانق شونيز و نصف دانق كندس ثم ينفخ في الأنف فإنه يذهب بالزكام كما روى عن الصادق عليه السلام . قيل قال الكندي كان ابونصر لا يبصر القمر و لا الكوكب بالليل فاستعطّ بمثل عدسة كندس بدهن بنفسج برأ في الليلة الثالثة برءاً تاماً.



طريقة : قيل طبيخ الحلبة بالماء جيد للزحير و الإسهال.

طريقة : گویند فانید که در طبّ اخبار و کتاب اطباء کثیر الإستعمال است بمعنای شکر پنیر است.

طريقة : گویند لبن حلیب که در اخبار آمده احتراز از ماست است.

طريقة : قيل اذا دخنت المقعدة ببذر الكراث اذهب البواسير.

طريقة : قيل اكل التفاح نافع للوباء كما في الحديث.

طريقة : قيل نقف الشعر من الأنف يورث الجذام و تربة المدينة تنفي الجذام.

طريقة : قيل إن أخذ السنّا مع الزبيب الأحمر الذي لا نوى له و يجعل معه هليلج كابلی اصفر و اسود اجزاء سواء و اخذ علی الریق مقدار ثلاثة دراهم و حين یاوی إلى الفراش مثله فذلك امان من الجذام و الفالج و اللقوة و الجنون.

طريقة : قيل في الحديث انّ البسنفج باردٌ في الصيف حارٌّ في الشتاء لين علی شيعتنا يابس علی عدونا (١٢٢).

طريقة : في الحديث انّ الحرمل شفاء من سبعين داء اهو نه الجذام فلا تغفلوا عنه و في خبر فتداووا بها و بالكندر.

طريقة : عن النبي صلى الله عليه وآله من شرب الحرمل اربعين صباحاً كل يوم مثقالاً لاستنار الحكمة في قلبه و عوفى من اثنين و سبعين داء اهو نه الجذام (١٢٣).

طريقة : قيل قال جالينوس كلما كان من الادهان يعتصر من غير الزيتون فإنه يسمى بزيت بطريق الإستعارة.

طريقة : قيل الفرق بين البرص و البهق انّ البهق مخصوص بالجلد و لا يغور في

اللحم و البرص بنوعيه الأسود منه و الأبيض يغور فيه.

طريفة: قيل عن اميرالمومنين عليه السلام إذا كان باحدكم اوجاع فى جسده و قد غلبته الحرارة فعليه بالفراش فقيل للباقر عليه السلام ما معنى الفراش قال غشيان النساء فإنه يسكنه و يطفئه (١٢٤).

طريفة: گویند در این ربع مسکون هفده هزار شهر است از شهرهای بزرگ و هرگز این ربع از هزار پادشاه خالی نباشد.

طريفة: گویند قلعى از زرنیخ و زینق است نه از کبریت و حکما متفقند بر آنکه سرب بهتر است از قطعى.

طريفة: گویند از عبار (١٢٥) حکماء اکابر است که العقل و النفس و الطبيعة بمنزلة واحدة.

طريفة: حکماء گویند اگر زحل نبودى طحال نبودى و اگر زحل نبودى بعد پیری مرگ نبودى و آن وبال عظیم نبودى.

طريفة: گویند در علم هیئت مبرهن داشته اند آنکه در میان افلاک تجویف نیست و سخن افلاکیان ملکی باشد نه جسمی.

طريفة: گویند هر چه عقل از واجب الوجود پذیرد بیک دفعه پذیرد چنانکه هوا از نور آفتاب و هوای خانه از چراغ.

طريفة: گویند منجمان ادوار را سیر جلالی گویند و اکوار را سیر جمالی و ادوار گردیدن کوکبی است یک بار یادو بار یا بیشتر گرد فلکهای خویش و اکوار باز از سر گرفتن این دورها باشد.

طريفة: بعضی از حکماء را اعتقاد این است که در هر سی و شش هزار سال تمام

عالم بگردد چنانکه همه زمین درخت و نبات و حیوان شده باشد و باز فنا شده و خاک گشته و زمینها که مردگان در آنجا بوده باشند کشت زار و درختان شده و غذای حیوان گشته و هكذا.

طریفة: گویند از عبارات حکماء است که الطبيعة لن تفعل شیئا باطلا.

طریفة: گویند اول قوتی که از طفل بعد از زادن بظهور رسد قوه شهویّه باشد چنانکه طلب شیر کند و بعد از آن قوه غضبیه چنانکه گریه آغاز کند بجهت رفع موزیات.

طریفة: حکماء گویند إذا جاءت النفوس صارت الأجسام أرواحاً و إذا شبعت صارت الأرواح أجساماً و ایضاً من أصلح نفسه ملکها و من أهمل نفسه اهلکها.

طریفة: گویند افلاطون نفس ملکی را در لینت و انعطاف بذهب تشبیه کرده و نفس بهیمی را در صلابت و امتناع بحدید.

طریفة: گویند از حروف تهجی حروفی است چهارده گانه که آن را صوامت خوانند و آنها این است «اح درس ص ط ع ک ل م و ه لا» و از آنها چهار اسم ترکیب کرده اند و اسماء صوامت خوانند «احد و س ص ط ع ک ل م و ه لا» اگر این اسماء را در نوزدهم هر ماه که باشد یا در روزی که کسوف باشد یا شبی که خسوف باشد بر صفحه ای از سرب نقش کنند و در زیر نگین انگشتری نهند موجب عقد اللسان بود که غمّازی و بدگوئی از جن و انس در غیبت و حضور کاری نتواند بکند بقدره الله تعالی.

طریفة: حکماء لعنت را عبارت از چهار سقوط که اسباب انقطاع از حضرت الوهیت است دانند: اول سقوطی که موجب اعراض بود و استهانت بتبعیت آن

لازم آید، دویم سقوطی که موجب حجاب بوده و استخفاف بتبعیت آن لازم آید، سیم سقوطی که موجب طرد بود و مقت بتبعیت آن لازم آید، چهارم سقوطی که موجب خسارت بود یعنی دوری از او و بعض تبعیت لازم آید.

طریفة: بعضی در علم اخلاق در این مسئله که عدالت مستجمع فضائل است و او را مرتبه وسط است اشکال کرده اند و آن این است که فضل محمود است و داخل نیست در عدالت چه عدالت مساوات بود و تفضل زیادت پس چنانکه نقصان از وسط مذموم است زیادت هم مذموم است پس تفضل مذموم بود و این خلف باشد جواب آن این است که تفضل احتیاط بود در عدالت تا از وقوع نقصان ایمن شود فتامل.

طریفة: فقهية اللراقم الأثم:

اختلفوا في صحة العبادة	من الصبي المائر الإرادة
فبعضهم قد قال بالتمرين	و عدم الصحة و اليقين
و تملك تمرينه اصلية	ليس لها الثواب بالجبلية
و بعضهم مال الى صحتها	من جهة التمرين و هو وجهها
بان في التمرن الثواب له	و ليس في الفعل الذي قد عمله
و تملك تمرينه شرعية	لها ثواب العاة المرعية
و قيل ذى شرعية صحيحة	بها له منويه صريحه
و قد يرى هنا احتمال رابع	لم يلف فيه قائل و تابع
و هو احتمال ان اصل العمل	له به اجر و لكن للولئ
و قد يرى ايضاً هنا احتمالاً	مخمساً و هو بان يقالا

مرادنا بالصحة التأثیر لها بمعنی أنها تنیر

قلب الصبی و تصفیه کما یصیر بالعصیان ذاک مظلماً

طریفة: گویند اگر کسی این نقوش را با خود دارد دچار بی خرجی نشود:

کَلَامُ الرَّكَّاءِ الْعَوْدِ

کَلَامُ الرَّكَّاءِ الْعَوْدِ

طریفة: للسعدی:

اگر شبها همه شب قدر بودی شب قدر بی قدر بودی

گرسنگ همه لعل بدخشان بودی پس قیمت لعل و سنگ یکسان بودی

طریفة: ایضاً: هرکس را دندان بترشی کند شود مگر قاضی که بشیرینی.

طریفة: قیل در کلام بزرگان است که دنیا عاشق خود را تارک است و تارک خود

را عاشق (۱۲۴).

طریفة: لا ادری:

طغیان نمود بحر خیالم بسوی دوست

چون سیل میروم همه جا سینه بر زمین

طریفة: گویند این دعای مختصری است عظیم الأثر و فوائد کلیه از آن ملاحظه شده

طریفة خواندن آن این است که هر روز هفت نوبت بخواند و از خانه بیرون رود:

«اللهم إني أخافك وأخاف من لا يخافك، بحق من يخافك اكفني شر من لا يخافك».

طریفة: گویند بجهت  $\frac{1}{9} \frac{2}{6} \frac{3}{3} \frac{2}{7} \frac{1}{5} \frac{4}{6} \frac{1}{9}$  دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول حمد و

یک مرتبه آیه الکرسی و در رکعت دوم حمد و یک مرتبه این آیه مبارکه بخواند که

مجرب است «عسی الله أن يجعل بینکم و بین الذین عادیتم منهم مودة و الله قدیر و

الله غفور رحيم» و در قنوت هفتاد و هفت مرتبه بگويد «اللهم صل على محمد و آل محمد اللهم لين لي قلب فلان بن فلان كما لينت الحديد لداود عليه السلام و سخرت الريح لسليمان عليه السلام» و نماز را تمام کند البته روا گردد انشاء الله.

طريفة: گویند بجهت ازدیاد عمر و دولت و پریشانی اعداء و خوشحالی احبباء این دعا را بخواند یا با خود دارد که مجرب است «بسم الله الرحمن الرحيم يا عزيز العز في عزه ما اعز العزيز في اعزه اعزني بعزتك و ايدني بنصرک و اذفع عني اعدائي بدفعک و اجعلني من خيار خلقک يا احد يا احد يا فرد يا صمد».

طريفة: در عمل شمسی گویند این نسخه را امير محمد علوی از امير ابراهيم تعليم گرفته: بياورند توتيا را صلايه کنند و چهار وزن توتيا آب چغندر بخورد او دهد و صلايه کند و خشک کند باز دو مقابل توتيا زهره گاو و چهار مقابل زهره گاو شکر سفيد با هم بياميزد و با توتيا صلايه کند بمرور يعنى تلحيف کند بعد از آن در بوته کند و در بالای آبگينه سفيد خورد کرده بر سر بوته کند و بگدازد و بروغن زيت ريزد اکسير شمس نیکو بیرون آید بعد از آن بر فضا طرح نماید در نهایت خوبی باشد.

طريفة: در کتاب اخلاق ناصری می فرماید حکمای قدیم را مثلی بوده است که در هياکل و مساجد آن را اثبات کرده اند و آن این است که فرشته ای که موکل است بر دنيا می گوید که در دنيا خیری است و شری و چیزی هست نه خیر و نه شر و هر که این سه را بشناسد چنانکه باید شناخت از من خلاص یابد و سلامت بماند و هر که نشناسد او را بکشم بتباهترین کشتن و آن چنان بود که من او را یک بار نکشم تا از من برهد بلکه او را آهسته آهسته می کشم در زمان دراز.

طريفة: گویند از حروف تهجی حروفی است که آنها را حروف الخواتيم گویند و

آن این است «اد ذر و لا» اگر این حروف را بر دیوار قبله خانه یا اندورن خزانه یا در صندوق نویسند در روز چهاردهم ماه حرزی باشد از دزد و موش و آتش.

طریفة: لا ادری:

از نقطه چه حرفهای بیحد که نمود وین طرفه که غیر نقطه را نیست وجود انگشت ز حرف غیر گربرداری یک نقطه شود مرکز پرگار شهود طریفة: گویند این دعاء از حضرت امیر علیؑ مروی است نقلا از رسول خدا ﷺ بجهت برکت در عمل و روزگار و شر حاسدان و اشرار و حفظ از آفات و مضار حیوانات و غیرها بخوانند یا همراه دارند:

«بسم الله الرحمن الرحيم اللهم يا بديع الحساب و يا شديد العقاب يا غفور يا رحيم يا خالق كل شيء يا فاطر السماوات و الأرض يا فائق الحب و النوى يا فائق الإصباح يا مسبب الأسباب يا مجيب الدعوات يا ولي الحسنات يا مقيل العثرات يا محيي الأموات يا نور الأرض و السماوات يا غافر الخطيئات يا قاضي الحاجات اقض حاجاتي في هذه الساعة يا اله الأولين و الآخرين يا ذا الجلال و الاكرام يا ارحم الراحمين و صلى الله على محمد و آله اجمعين اللهم لك الحمد و إليك المشتكى و انت المستعان لا حول و لا قوة إلا بالله العلي العظيم برحمتك يا ارحم الراحمين».

طریفة: در کتاب وسیله السعادة ترجمه مهج الدعوات آورده آنکه مروی است که

خداوند تعالی حضرت یوسف علیؑ را که به حضرت یعقوب علیؑ رسانید این دعا را خواند هر که بخواند هر چه از خدا طلبد عطا کرده شود: «بسم الله الرحمن الرحيم يا من خلق الخلق بغير مثال و يا من بسط الأرض بغير اعوان و يا من دبّر الأمور بغير وزير و يا من يرزق الخلق بغير مشير و يا من يخرب الدنيا بغير اشياء».

طریفة: ایضاً فيه دعائیکه آصف تخت بلقیس را حاضر و حضرت عیسیٰ علیه السلام

مردہ را زندہ گردانید هرکه بخواند ، آنچه بخواید مستجاب گردد انشاء الله تعالى :  
«اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِاَنَّکَ اَنْتَ اللهُ لَا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ الطَّاهِرُ الْمُطَهَّرُ نُورِ  
السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضَیْنِ عَالَمِ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ الْکَبِیْرِ الْمُتَعَالِ الْمَنَّانِ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ  
اَنْ تَفْعَلَ بَیْ کَذَا وَکَذَا».

طریفة: ایضاً از عطا منقول است که مکرر تجربه کرده اسم اعظم در این کلمات و  
اسماء است : «یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ یا رَحْمٰنُ یا رَحْمٰنُ یا تُور یا تُور یا ذَا الطَّلُوْلِ یا  
ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِکْرَامِ».

طریفة: بتجربه رسیده آنکه در هنگام عروض امور صعبه خواندن این سه ذکر  
«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْ  
مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ» که حاملین عرش بجهت آسانی حمل آن آنها را  
خواندند و سهل گردید موجب سهولت آنها خواهد شد.

طریفة: قال الشیخ احمد الاحسائی: کتاب الفقه الرضوی شاع نسبه الی مولانا  
الرضا علیه السلام و الأمر غیر محقق فإن کلامه لا یشبه کلام المعصوم ولم ینسبه من  
المعتبرین الذین یعتمد علی اقوالهم و اطلاعهم و لا یبعد أن یشبهه من تالیفات علی  
بن الحسین بن بابویه بل صرح بعض الأفاضل أنه المراد بالرسالة التي كتبها علی بن  
الحسین بابویه لابنه الصدوق محمد و ليس ببعید فان كثيراً ممّا فيه موافق لما ینقله  
فی الفقیه عن الرسالة و الله اعلم و هو غیر صحیفة الرضا علیه السلام .

طریفة: گویند جرجیر را بقله عایشه می گویند چنانکه خرفه را بقله فاطمه علیه السلام و

ناصبین لعنهم الله او را بقله الحمقاء نامند. (۱۲۷)





فقال عليه السلام استعمل خاتماً فصّه حديد صيني عليه من ظاهره ثلاثة اسطر، الاول: أعوذ  
 بجلال الله، الثاني: أعوذ بكلمات الله، الثالث: أعوذ برسول الله وتحت الفصّ  
 سطران، الاول آمنت بالله وكتبه، الثاني: واثق بالله ورسله و انقش حول الفص على  
 جوانبه: اشهد أن لا إله إلا الله مخلصاً. وهذه صورة الفصّ وإذا خفت أذى احد من  
 الناس فالبسه فإن حوائجك بنجح و مخاوفك تزول وكذلك علقه على المرأة التي  
 يتعسر عليه الولادة فإنها تضع بمشية الله تعالى وكذلك من تصيبه العين فإنها تزول و  
 احذر عليه من النجاسة و الدهومة و دخول الحمام و الخلا و احفظه فإنه من أسرار  
 الله عزوجل ثم التفت الحسن عليه السلام علينا و قال انتم ممّن خاف على نفسه فليستعمل  
 ذلك و اکتموه عن اعدائکم لئلا ينتفعوا به و لا تبیحونه إلا لمن تثقون به و قال الراوی  
 لهذا الحديث قد جرّبت هذا الحديث فوجدته صحيحاً.

### الشهيد

الجلال	أعوذ بجلال الله	عظيم
	أعوذ بكلمات الله	
	أعوذ برسول الله	

### الشمس

طريقة: عن هشام بن سالم عن الصادق جعفر بن محمد: أنه قال في حديث يذكر  
 فيه قصة داود عليه السلام انه خرج يقرء الزبور وكان إذا قرأ الزبور لا يبقى جبل ولا حجر و  
 لا طائر إلا اجابه و انتهى إلى جبل فاذا على ذلك الجبل نبيّ عابد يقال له حزقيل  
 فلما سمع دوى الجبال و اصوات السباع و الطير علم انه داود عليه السلام فأخذ حزقيل بيد

داود عليه السلام و رفعه إليه فقال داود يا حزقيل هل هممت بخطيئة قط ، قال لا ، قال فهل دخلك العجب بما أنت فيه من عبادة الله عزوجل قال لا ، قال فهل كنت إلى الدنيا فأحببت أن تأخذ من شهواتها و لذاتها قال بلى ربما عرض مثل ذلك بقلبي قال فما كنت تصنع إذا كان ذلك ، قال ادخل هذا الشعب فاعتبر بما فيه فدخل داود عليه السلام الشعب فاذا سرير من حديد عليه جمجمة بالية و عظام فانية و اذا الواح من حديد فيه كتابة ، فقرأها داود عليه السلام فاذا فيها: انا اروى بن سلم ملك الف سنة و بنيت الف مدينة و افتضضت الف بكر فكان آخر عمرى ان صارت التراب فرشى و الحجارة و سادتى و الديدان و الحيات جيرانى فمن رانى فلا يغتر بالدنيا (۱۳۳).

طريفة: قيل كل عضو من الحيوان خلق زوجاً و الذى لا يرى زوجاً فهو ذو شفتين كما يظهر بالتأمل فى الكتب التشريحية قال الله تعالى «و من كل شىء خلقنا زوجين لعلكم تذكرون» (۱۳۴).

طريفة: كلمة متضافر كه در السن علماء فقه و اصول استعمال مى شود بضاد اخت صاد است و بظاء فثاله چنانكه در اغلب كتب آورده اند غلط مشهور است و مرحوم آقا جمال خونسارى قده تصريح باين مطلب فرموده اند در كتب خود.

طريفة: گویند از حضرت امام حسن عسکرى عليه السلام مروى است مفاد آن اينكه هرگاه غره شهر رمضان معلوم نباشد ملاحظه مى كنى ايام هفته را كه چه روزى اول شهر رمضان گذشته بوده و يوم احد را يكي مى گيرى و اثنین را دو و هكذا تا شنبه كه او را هفت ميگيرى پس از آن عدد دوازده را بر عدد مذکور آن روز ميافزائى و از همه هفت هفت طرح مى كنى هر چه باقى ماند يكي را از او ناقص مى كنى باقى همان عدد روز غره شهر رمضان حاضر مجهول الاول خواهد بود فتأمل. مثلاً سال گذشته

غَرّه رمضان او روز پنج شنبه بود و عدد آن پنج است اضافه می کنی بر او عدد دوازده را مجموع هفده می شود و هفت از آن طرح می کنی سه باقی می ماند یکی از او ناقص می کنی دو می ماند و آن عدد روز دوشنبه است پس غَرّه ماه رمضان از این سال حاضر روز دوشنبه خواهد بود والله العالم.

طریفة: نقل عن مولانا الصادق عليه السلام في باب النهي عن التداوي بالخمير انه قال لا والله لا يحل لمسلم أن ينظر إليه فكيف يتداوى به (١٣٥).

طریفة: في البحار عن ابي اسامة الشحام قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول ما اختار جدنا عليه السلام للحمى إلا وزن عشرة دراهم سكر بماء بارد على الريق (١٣٦).

طریفة: عن علي عليه السلام قال لا يصلح اكل الثوم الا مطبوخاً.

طریفة: في الحديث قال عليه السلام ذكرنا أهل البيت شفاء من الوعك و الأسقام و وسواس الريب (١٣٧). راقم گوید شاید یک قسم از ذکر ایشان همین مرثیه خوانی و بیان مصائب و مدایح و مناقب ایشان باشد چنانکه بجهت شفای امراض مستعمل اهل این زمان شده.

طریفة: في البحار عن محمد بن سنان عن الرضا عليه السلام قال سمعت موسى بن جعفر عليه السلام و قد اشتكى فجاءه المترفعون بالأدوية يعنى الأطباء فجعلوا يصفون له العجائب ، فقال اين يذهب بكم اقتصروا على سيد هذه الادوية الهليلج و الرازيانج و السكر في استقبال الصيف ثلاثة اشهر في كل شهر ثلث مرّات و في استقبال الشتاء ثلاثة اشهر في كل شهر ثلث مرّات و يجعل موضع الرازيانج مصطكى فلا يمرض إلا مرض الموت (١٣٨).

طریفة: قيل عن مجاهد في قوله تعالى «وإن منكم إلا واردها» قال من حمّ من

المسلمين فقد ورد لها و هو حظّ المؤمن منها (١٣٩).

طريقة: قيل عن ابن سيرين قال اذا بلغ اربعين سنة لم يحتجم.

طريقة: قيل الحجم فى البلاد الحارة انجح من الفصد و الفصد فى الباردة  
انجح من الحجم.

طريقة: فى البحار روى عنه اى عن الصادق عليه السلام ان بعض اهل بيته ذكر له امر  
عليل عنده فقال ادع بمكتل فاجعل فيه برّاً و اجعله بين يديه و امر غلمانك اذا جاء  
سائل ان يدخلوه اليه فليناوله منه بيده و يأمره ان يدعو له قال افلا اعطى الدنياير و  
الدارهم قال اصنع ما أمرك به فكذلك رويناه ففعل فرزق العافية (١٤٠).

طريقة: قيل لبن الشاة السوداء خير من لبن الحمراء و لبن البقرة الحمراء خير من  
لبن السوداء.

طريقة: قيل البصل يذهب البلغم و يشدّ القلب و يذهب الحمى و يطرد الوباء  
بالمد و القصر (١٤١).

طريقة: فى الحديث : من كتم وجعاً ثلاثة ايام من الناس و شكى إلى الله  
عزّوجلّ عوفى (١٤٢).

طريقة: فى الحديث من جاع او احتاج و كتّمه من الناس و مضى الى الله تعالى كان  
حقاً عليه ان يفتح له رزق سنة حلالاً (١٤٣).

طريقة: فى الحديث من أكل ما يسقط من المائدة عاش ما عاش فى سعة من رزقه  
و عوفى ولده و ولد ولده من الحرام (١٤٤).

طريقة: فى الحديث اذا لم يكن للمرء تجارة إلا فى الطعام طغى و بغى (١٤٥).

طريقة: فى الحديث من احتكر على المسلمين طعاماً ضربه الله تعالى

بالجذام والإفلاس (١٤٠).

طريقة: في الحديث ثلث لقمات بالملح قبل الطعام تصرف عن ابن آدم اثنين و سبعين نوعاً من البلاء منها الجنون والجذام والبرص و من أكل الملح قبل شيء و بعد كل شيء دفع الله تعالى سنة ثلثمائة و ستين نوعاً من البلاء اهونها الجذام (١٤١).  
طريقة: في الحديث كان صلى الله عليه و آله ياكل القثاء بالملح و يأكل البطيخ بالجبن.

طريقة: في الحديث نفقة درهم في سبيل الله بسبعمائة و نفقة درهم في خضاب الحناء بتسعة آلاف.

طريقة: في الحديث إذا أكلتم الفجل و أردتم أن تجتنبوا نتنه فصلوا على عند اول قزمة منه (١٤٢).

طريقة: في الحديث كلوا الثوم فإن فيها شفاء من سبعين داء (١٤٣).

طريقة: في الحديث قال صلى الله عليه وآله ما قال عبد عند امرىء «أسأل الله العظيم رب العرش العظيم أن يشفيك» سبع مرّات إلا عوفى .

طريقة: في الحديث من اراد ان لا يصيبه ريح في بدنه فليأكل الثوم كل سبعة ايام مرّة و من اراد ان لا تفسد اسنانه فلا يأكل حلواً إلا بعد كسرة خبز.

طريقة: قيل الدخول على النساء في اول الليل شتاءً و صيفاً يوجب الفلج و اللقوة و النقرس و ضعف البصر كما في الحديث.

طريقة: في البحار الأوقية تطلق على اربعين درهماً و على سبعة مثاقيل و في عرف الأطباء عشرة دراهم و خمسة اسابيع درهم.

طريقة: في الحديث من اعجبه من أخيه شيء فليبارك عليه فإن العين حق.

طريقة: في الحديث قال رسول الله ﷺ ما وقع الناس ابصارهم إلى شيء إلا  
وضعه الله تعالى. (١٤٦)

طريقة: قيل اختلف في ان الساحر إذا قتل يسحره احداً فهل عليه قصاص أو دية  
ام لا ، قيل لا لأصل البراءة و ان هذا القتل ليس من افراد القتل العادي المتعارف و  
قيل نعم للعموم و الكل لا يخلوا من نظر فيه فتأمل .

طريقة: گویند در عمل شمسی بگير زيبق را يك مثقال و زحل را دو مثقال و زحل  
را بگذار و زيبق را داخل او کن بعد از آن با تيزاب فاروق يك روز صلايه کن و بعد از  
آن تصعيد کن که سرخ می شود و طرح کن یکی را بر ده از زهره، شمس گردد  
انشاء الله تعالى. تيزاب فاروق را چنین کوبد شوره ۲ زاج ۱۲ شب ۱۶ اگر شب نباشد  
زاج ۱۲ اضافه نمایند و با هم صلايه نمایند و در کوزه آب ندیده کنند و آب بر آن  
ریزند و بر آفتاب گذارند و ظرف چینی در زیر کوزه گذارند که تيزاب قطره قطره از  
کوزه بظرف مذکور جمع شود و قدری آب بر او زنند که چون شیر شود تيزاب فاروق  
این است بلا فروق فاعمل و جرّب الله العالم.

طريقة: في الحديث كما في البحار: «سلمان خير من لقمان» و هو مروى عن  
الصادق عليه السلام (١٤٩).

طريقة: في البحار: قالوا المعراج خمسة أحرف : فالميم مقام الرسول صلى الله  
عليه و آله عند الملك الأعلى و العين عزّه عند شاهد كل نجوى و الراء رفعة عند  
خالق الورى و الألف انبساط مع عالم السرّ و أخفى و الجيم جاهد في  
ملكوت العلى (١٥٠).

طريقة: في الحديث: معراج ابراهيم عليه السلام الدنيا لقوله تعالى «و كذلك نرى

ابراهيم ملكوت السموات... الاية» (١٥١).

طريفة: فى البحار روى ابو حمزه الشمالى رضى الله عنه عن زيد بن على  
عليهما السلام انه قال انى لأرجو للحسن منا أجرين و اخاف على المسىء منا أن  
يضاعف له العذاب ضعفين كما وعد أزواج النبى ﷺ (١٥٢).

طريفة: فى مجمع البيان قال عبدالله بن مسعود ايما رجل جلب شيئاً إلى مدينة  
من مدائن المسلمين صابراً محبباً فباعه بسعر يومه كان عند الله بمنزلة الشهداء ثم قرأ  
«و آخرون يضربون فى الارض....» (١٥٣).

طريفة: قيل الفرق بين الغضب و الغيظ ان الغضب هو ضد الرحم من اى موضوع  
صدر و الغيظ من هيجان الطبع بتكره ما يكون من المعاصى و لهذا يقال غضب الله و  
لا يقال اغاظ الله.

طريفة: قيل فى الحديث قال رسول الله ﷺ أنا قائد العرب إلى الجنة و سلمان  
قائد العجم إلى الجنة.

طريفة: گویند در حدیث است آنکه با طهارت در جامه خواب رفیق موجب  
رسیدن روزی است از جائی که طمع ندارند.

طريفة: نقل عن العالم المازندراني فى شرحه على الاصول لقد رأى بعض  
الصالحين ممن اصدقه فى عقايد جماعه من الناس فيجنب كل واحد منهم كلب  
بحقيقه الكلبية و صورته، له ذنب و اذن و عينان و راس و فم و شفة مثل كل الشاهد  
قيل مراده من هذا البعض هو ملانا المجلسى الاول قَدِيرُ الاجل.

طريفة: قيل للغنى يذكر الغنى و المعنى بعدد اللفظ و هو مجرّب.

طريفة: روى عن النبى ﷺ القيام قبل الصبح يورث ثلث خصال صحة فى البدن



و سعة في الرزق و محبة في قلوب العباد.

طریفة: گویند بجهت رفع صداع بانگشت شهادت بر پیشانی نویسند:

«کهیصص حمعسق ق ن».

طریفة: گویند بجهت علاج رعاف، حنا و نشاسته و کافور را کوبیده و خمیر

نموده بر سر مالند بند شود.

طریفة: یکی از اطباء می گوید میوه خوران کم تندرست باشند و اکثر جاها که

میوه بسیار باشد بیماری بسیار باشد.

طریفة: صاحب ذخیره می فرماید در استرآباد شخصی را دیدم که زمستان در

میان آبهای یخ نشستی و تختهای یخ را سوراخ کرده در گردن افکندی و وقتی که یخ

بستی برهنه لنگی زده مروحه بدست و ظرفی پر آب در دیگر دست داشتی و آن آب

را بر سر ریختی و بمروحه خود را باد دزدی و مویهای ریش او یخ بسته بود و مع

ذلک اظهار گرمی هوا کردی و چون هوا گرم شدی بفصل دیگر چند جامه و پوستین

پوشیدی و متصل خود را بآتش گرم کردی و چنان نمودی که میلرزد و سالها بود که

بدین نهج می گذرانیدی و تندرست و خوشحال بودی.

طریفة: ایضاً می گوید شخصی بود او را ملاکوزه می گفتند و هزال بود و یک

خیک آب بکروود غلبه می خورد.

طریفة: گویند بجهت رفع کرم و ملخ آیه الکرسی را بنویسید و بر چهار گوشه

باغ فرو برند.

طریفة: گویند که من اکل طعاماً بشهوة حرّم الله تعالی الحکم علی قلبه بعضی

گویند معنی شهوت آنست که بهوس خورند نه باشتهای طبیعی.

طریفة: اطباء گویند باید قطع طعام باشتها شود نه قطع اشتها بطعام.

طریفة: گویند حکمای هند بر این عادت بطور مبالغه می‌باشند که در هر صبح از خواب که برخیزید سه لقمه نان خشک یا سفوف دیگر که کار او کند خوردند و بعد از آن اشتغال بامور نمایند.

طریفة: گویند یکی از قواعد مرسومه جوکیان اهل هند در حفظ صحت و اطاله عمر عدم اخراج منی است از خود و چنان مراعات این امر را مواظبند که اگر حیانا ایشان را احتلام افتد آن را از جامه شویند و بخورند تا ضایع نشود و از قواعد ایشان افکندن پوست است همچو مار که سالی پوست افکند و تازه می‌شود و درازی عمر مار را از این فعل دانسته‌اند و بعد از پوست افکندن بادویّه مقرره مویهائی که بر ابدان ایشان روئیده می‌شود سیاه می‌باشد اگر چه بسیار معمر هم باشند.

طریفة: گویند بعضی از جوکیهای هند چون در امعاء خود قصوری یابند از طرف شیب روده‌های خود را بعضی بیرون آورند باز گردانیده آن را بآبهای ادویه مناسبه بشویند دیگران را بیالایند و تیمار کرده بخود باز کشند و بعضی هستند که نفس را فرود گیرند و در درون خود آن را حرکت دهند چنانچه هر عضوی را که خواهند تا قوی سازند تمام دم را بدانجا مایل گردانند و در مداخل آن در برند بتوجه و آن را بزرگ کنند چنانکه گویا ورم کرده و باز بجای اصلی عود دهند یکی از اطباء می‌گوید من جوکی‌ای را دیدم که دم می‌گرفت و در درون شکم خود روده‌ها را چنان حرکت می‌نمود که آن را از بیرون پوست شکم او کسی پنداشتی که چیزی مجتمع گشته پوست را بلند برداشته بهر طرف می‌رود و در آن حین شکم او قراقرع عظیم می‌کرد.

طریفة: گویند بتجربه چنان یافته‌اند که کام طفل را بهر چیزی که بردارند در مدت

عمر از آن کم مضرت یابد حتی اگر بعقرب یا مار سوده بردارند از عقرب و مار  
الم نیابد.

طریفة: گویند اگر طفل در اوایل عمر بمرض ام الصبیان گرفتار نشده در اواخر  
عمر لابد مبتلا باو خواهد گردید والله العالم. (۱۵۴)

طریفة: بعضی از اطباء می فرمایند در خواص چنین یافته ام در سه چهارشنبه آخر  
ماه چون برابر ماه سه نوبت ثلول را بجاروبی از طرف تن بخارج بمالند و بگویند  
ای ماه همچنانکه تو میگاهی این را بکاهان و بدو سه نوبت بگویند و هر سه نوبت  
جاروب را بر زمین زنند آن ثلیل هر چند غلبه و بد باشد بآهستگی بریزد و دفع شود  
باذن الله تعالی.

طریفة: گویند سبب پیری لیز شدن سطوح باطن است از عروق و شرائین و امعاء  
و معده و غیرها بجت مرور رطوبات بر آنها چنانچه در صحن حمامها  
مشاهده می شود.

طریفة: گویند حکماء هند سیر خام را عظیم معتقد و مداومت بر آن را در حفظ  
صحت مدد بزرگ می دانستند از جهت تریاقیت او سموم حیوانی را و تریاق همه  
آبهای مختلف پیاز است سیما پرورده بسرکه.

طریفة: گویند در هوای وبائی خوردن جدوار و نان خشک و بوئیدن پیاز و سرکه  
نهایت مؤثر و نافع خواهد بود.

طریفة: اطباء گویند ریش از خصیه آب می کشد بحکم رابطه خلقی که در آن  
عضوین ذکور واقع است.

طریفة: گویند مالیدن آب نمک در حمام بر بدن موجب منع تولد شپش خواهد بود.

طریفة: گویند هر گاه بشره از آفتاب سیاه شده باشد پیه مرغ را با موم بگدازند و با آرد نخود بصورت بمالند و با آب گرم بشویند.

طریفة: در ذخیره آورده آنکه زرنیخ و آهک و صبر را بجوشانند و در آفتاب نهند تا به ته نشیند سپس بیالایند و دیگر بار زرنیخ و آهک را بجوشانند و بر آفتاب نهند و مکرر می کنند تا چنان کنند اگر پر مرغی بدان بیالایند در ساعت موی آن برود پس قدری نیکو روغن در آن ریزند و با آتش نرم بجوشانند تا آب آن برود و روغن بماند، از این روغن چون طلا کنند موی را بسترده و هیچ نسوزاند و اگر هر نوبت شخاره نیم جزو داخل سازند قوی بود.

طریفة: گویند اکتار در اکل لبنیات و انجیر موجب تولد شپش خواهد بود و گوشت سوسمار مولد عظیم است در این باب.

طریفة: گویند یکی از موجبات فربهی لقمه بزرگ فرو بردن است.

طریفة: گویند بجهت علاج نزله که تعلق بسینه و زکام که تعلق به بینی دارد شستن سر بصابون و سر را ببخار شلغم و طبیخ بابویه داشتن نافع است.

طریفة: گویند کسانی را که کثیر الفکر یا سودائی مزاج باشد زکام آنها را مفید خواهد بود.

طریفة: گویند بجهت ترکیدن لبها خوردن پاچه بره نیم برشت بسی نافع خواهد بود.

طریفة: گویند جالینوس گفته آنکه بجهت اسهال، پنیر شور قدری را چون بشویند مسحوق چند آنکه شوری آن کم شود و بر روی انگشت افروخته آن را بریان کنند بخورند نافع خواهد بود انشاء الله.

طریفة: گویند بجهت کثرت احتلام بلاد را با کنجد کوفته بقانون مقرر بخورند

نافع خواهد بود انشاء الله تعالی .

طریفة: بعضی اطباء گویند بجهت امساک منی چنان تجربه کرده‌اند که در حین اقتدار بر امساک لحظه‌ای در مباشرت و وقوع لذت غلبه خود را بازکشند و ترک کنند چندانکه نعوظ و خیال آن بر طرف شود دیگر بار استعمال نمایند و چون بقرب انزال رسد دگر هم چنان باز ایستد و بدین مداومت و ممارست قوت عظیم در حفظ و منع منی حاصل شود و محبت عظیم مابین زوجین پدید آید اگر چه این فعل هم بسا موجب درد خصیه می شود ولکن بسیار هم بخیر بگذرد.

طریفة: گویند برگ درخت سنجد را بر جراحات ضماد نمایند جراحی را بچرک آورد و پاک می کند و ملایم می گرداند و مکرر تجربه شده و اگر برگ تازه نباشد برگ خشک آن نیز مؤثر است فاغتم.

طریفة: گویند هر حرفی که بحسب عدد مرتبه اول دارد از احاد و عشرات مآت و ألوف متعلق بفلک الأفلاک خواهد بود مثل «ای ق غ» و هر حرفی که مرتبه دویم دارد متعلق بفلک البروج مثل «ب ک ر» و هكذا إلى آخر المراتب گویند حروف جمل مشاقه بدین گونه است: ابجد تعلق بزحل دارد هوزح تعلق بمشتري دارد طیکل تعلق بمریخ دارد منسع تعلق بشمس دارد و فصقر تعلق بزهره دارد شتسخ تعلق بعطارد دارد ذضظغ تعلق بقمر دارد.

طریفة: گویند هر اسم از اسماء الهی را که حرف آخر آن اسم بر اولش مقدم دارند اسم ملکی بوده باشند چنانچه در اسم علیم مثلاً چون حرف میم را مقدم بر حرف عین دارند و کلمه ئیل از خارج بر آن اضافه کنند اسم ملکش معلیائیل است و این قاعده ایست از قواعد مقررّه.

طریفة: گویند عقل در مقام افاضات نوریه بر نفس بمنزله شمس است نسبت به قمر و بدن بمنزله ارض است و چنانکه حیلولة ارض مانع از اشراقات شمسیه و موجب خسوف می گردد همچنین تعلقات بدنیه طبیعیه مانع شوارق عقلیه می گردد از برای نفس فتأمل .

طریفة: یکی از حکماء می فرماید مجاورت ابو الشرور و ابو الداوهی در مقهوریت با نقطه خاتمیه صلی الله علیه و آله یک نحو عذابی است که خداوند تعالی معجل داشته از برای آنها چه مجاورت با غیر جنس عذابی است از برای ناقص از طرفین چنانکه گفته اند:

روح را صحبت ناجنس عذابی است الیم

طریفة: قيل ان التبليغ والتنظيم ونحوهما انما هي من فوائد وجود الانبياء عليهم السلام و عوائد نصب الاولياء عليهم السلام لا انها تكون غاية لوجودهم و الا لكان ذلك اشرف و افضل و اهم و اتم في عناية الله و نظره تعالى من وجودهم كما هو شأن كل غاية مع مغياها فتأمل .

طریفة: قيل مطابقة قراءة الصلوة لقراءة واحد من القراء السبعة لازمة الا في ترك البسمله من السورة.

طریفة: گویند وبق را که او را مویزک عسلی گویند هرگاه با عسل و دوشاب و سپستان طبخ داده مثل خیاطت ترتیب دهند و بر روی اشجار گذارند طیوری که بر آن نشینند پای بست گردند و صید شوند.

طریفة: گویند هرگاه سیب ترش را در میان خمیر طبخ دهند بجهت رفع اسهال نافع خواهد بود.

طریفة: گویند مضمضه کردن بآب طبیخ پوست انار ترش بجهت تقویت لثه نافع خواهد بود.

طریفة: گویند رافع بوی پیاز خائیدن نان سوخته و گردکان مشوی و باقلاست.

طریفة: گویند شب یمانی را هرگاه در جامه خواب گذارند مانع از احتلام خواهد بود و همچنین زاج را در زیر جامه نگاه داشتن چنین اثر دارد والله العالم.

طریفة: گویند هرگاه سنگ گچ را بر روغن زیتون و اندکی بوره و شب یمانی بسایند و بر نوشتجات بیالایند ازآله کتابت می کند و بر جامها باعث قلع چروک و چربی او می گردد.

طریفة: گویند تعلیق سنک آتش زنه بر ران زنان که در لته بسته باشند جهت عسرت ولادت مؤثر است.

طریفة: گویند هرگاه حدید را با رصاص یا مرقشیثا یا رهج الفار یا زرنیخ گذارند بمرتبه رصاص زود گداز شود.

طریفة: گویند آب آهن تافته بغایت مقوی باه و قابض است و رفع هیضه و اسهال مزمن بواسیری کند.

طریفة: گویند بخور اسپند بجهت درد دندان مؤثر است و تعلیق او در لته کبود رافع سحر است و افشاندن او در خانه باعث فرقت و بخور او مبطل این اثر است.

طریفة: گویند پیه مرغ و خروس بجهت نرم کردن صلابات و مواد سوداوی و طلای نیم گرم او بر سر جهت مالیخولیا عجیب النفع است.

طریفة: گویند مداومت بر شیرۀ انگور با شیر تازه و اندک بادام جهت هزال مفرط

و خفقان و ضعف احشاء عجیب الأثر خواهد بود.

طریفة: گویند بتجربه رسیده آنکه هرگاه بعد از خوردن طعام دست را بر محاذی معده و شکم برد و هفت مرتبه بمالد و هفت بار صلوات فرستد از نفخ شکم ایمن گردد انشاء الله تعالی.

طریفة: گویند هرگاه سوره مبارکه عمّ را نوشته و بشویند و صاحب اسهال بیاشامد زائل گردد انشاء الله.

طریفة: ایضاً گویند بجهت رفع اسهال قهوه را بطریق نخود گرم برشته کند و سیاه نشود ، بخورد بغایت موثر خواهد بود انشاء الله تعالی.

طریفة: گویند از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مروی است که حضرت حزقیل علیه السلام را قرحه ای در جگر بهم رسید دعاء کرد حق تعالی باو وحی فرستاد که شیره انجیر را بر سینه خود از بیرون بمال چنان کرد بر طرف شد. (۱۵۵)

طریفة: گویند در حدیث است آنکه بجهت درد پا از اول سوره انا فتحنا تا عزیزاً حکیمان را بخوانند شفا یابد.

طریفة: گویند از جمله خواص حرف سین آنست که اگر کسی خواهد با خصمی در مخاصمه و محاوره غالب آید بنحوی که قادر بر جواب مطلقاً نباشد اسم خصم را در مابین دو سین امتزاج و هر چه را ممکن باشد متصل و غیر ممکن را منفصل نوشته در دست گرفته تا او در سخن درآید خصم عاجز گردد باذن الله تعالی ، مثلاً قمر نام را چنین نویسد که در او انفصال است سقمسمرس و شمس نام را چنین نویسد که در او اتصال است ششمسس.

طریفة: گویند این چهار اسم را در مربع چهار بر روی اطلس زرد یا



شجر ف بنو بسء اءر ٱاءشاهى بر شقه علم زرد نو بسء هبء لشءر با او مءابله نءوانء  
 ءرء و هر ءه با ءارنءه ابن لوح مءاءله ءنء مءهور ءرءء و ءر وء نوءن بنءور شرط  
 اسء و ءر ساءء سعء بهءر اسء و ءر ابن مربع ءرائب بسبار اسء.

اَلْقَادِرُ	اَلْمُعْتَدِرُ	اَلْقَوِيُّ	اَلْقَائِمُ
اَلْقَادِرُ	اَلْمُعْتَدِرُ	اَلْقَوِيُّ	اَلْقَائِمُ
اَلْقَادِرُ	اَلْمُعْتَدِرُ	اَلْقَوِيُّ	اَلْقَائِمُ
اَلْقَادِرُ	اَلْمُعْتَدِرُ	اَلْقَوِيُّ	اَلْقَائِمُ

ءر بفة: ءو بنء عمر بن ءءاب از ام ءلءوم ءءءر ءءرء امبر ءلله ٱسرى ءاسء  
 اسم او زبء بوء و فبه ما فبه.

ءر بفة: فى عمل ءمرى ءو بنء ءرزهرة ءه ءر راه ءربلاى معلى باء مى شوء اءر  
 آب برء آن را بءبرنء و مشءرى را ءءاءءه هءء مرءبه ءر او ربزنء و ءر هر مرءبه آب  
 آن را عوض نمابنء ءمر ءالص ءرءء انشاء الله ءعالى.

ءر بفة: سزوار اسء مءهءءبن بعء از هسء رءءء نوافل لبله ابن ءعاء را ءه  
 منءول اسء از ءءرء امبر لمؤمنبن ءلله بءوانء و ءرء نمنابنء:

«بسم الله الرحمن الرحيم اللهم اني اسالك بحرمه من عاذبك منك ولجأ الى عزك و  
 استظل بفضلك واعتصم بحببك و من لم يثق الا بك يا جزيل العطاء يا مطلق الأسارى  
 يا من سمى نفسه من جوده وهاباً ادعوك رغباً و رهباً و خوفاً و طمعاً و الحاحاً  
 و الحافاً و تضرعاً و تملقاً و قائماً و راكعاً و ساجداً و راكبا و ماشيا و ذاهبا و جائيا و فى  
 كل حالاتى اسالك ان تصلى على محمد و آل محمد و ان تفعل بى كذا» و ءاءء  
 ءوء را ءءر نمابء. (۱۵۶)

ءر بفة: ءو بنء از ءءرء صاءء ءلله مروى اسء ءه بءهء سهوءء ءارها و

خلاصی از حوادث یک صد مرتبه این دعا را بخوانند یا با خود دارند مؤثر خواهد بود انشاء الله تعالی و آزموده است البته :

«بسم الله الرحمن الرحيم سهلاً بفضلک یا عزیز برحمتک یا ارحم الراحمین».

طریقه: گویند بجهت عزت یافتن در مجلس ظالمان و کافران این نقوش را همراه

خود نمودن نافع خواهد بود انشاء الله .

هر طم هر که ا لا الی الا انت سبحانک انی کنت  
بین الظالمین

طریقه: گویند هر که این مهر را با خود دارد محبوب همه کس گردد :

بسم الله الرحمن الرحيم

طریقه: گویند بجهت رفع درماندگی خواندن این کلمات نافع خواهد بود

انشاء الله تعالی : «یا حی یا قیوم برحمتک أستغیث و اغفرلی سیئاتی و فرج همی».

طریقه: در کتاب طالبینوس فردوس آورده آنکه چون مریخ بحمل درآید نوزده

الف بنام آن کس که خواهد نقش کند بر پاره مس و در آتش اندازد بدین صورت

که محبت را اثری عظیم دارد باید که قمر در اسد بود اما باید بشکل مثلث

بکشد و در اندرون آن بنویسد و این شکل را با خود داشتن ایمنی از اعداء بخشد و

در وقت مجامعت با خود داشتن قوتی عظیم دارد و منقطع نگردد و این شکل را در

آب کاسنی انداخته بیاشامد اشتها پیدا شود و بعورت بستن موجب بول نکردن در

خواب و نترسیدن در آن خواهد بود .

طریقه: ایضاً در آن کتاب است آنکه نوشتن سیصد حرف «تا» بر کاغذی و مانند

کلاهی بر سر گرفتن و چهل عدد نوشتن آن و بر دماغ گرفتن موجب قطع رعاف

خواهد بود.

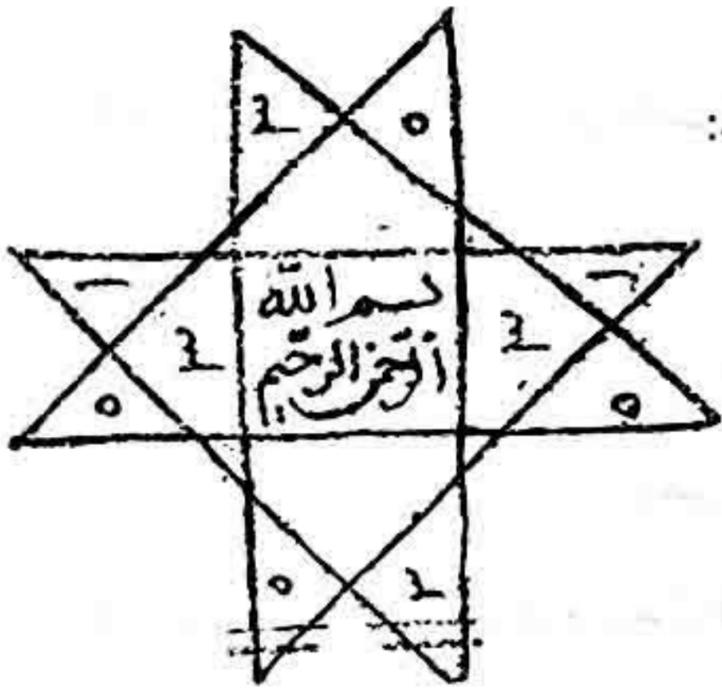
طريفة: في كشكول الشيخ احمد الاحسائي حروف السكون اى ي ي ص ص ص  
ص ح ح ح و هذه حارة رطبة و باردة رطبه و لو فارقتها لما حصل بها السكون اصلاً  
لانّ هذه الطبيعة من اجلها يكون السكون لانّ السكون فيه راحة الأبدان و فيه الأمر  
لكلى و فيه التعريف الأكبر لطلب الرزق فمن أراد ذلك فيكتبها في قطعة من فضة يوم  
الخميس و يحملها معه فيأتيه رزقه من حيث لا يحتسب و من كسدت عليه صنعة  
فليكتبها على باب حانوته و يسبقها بحرف الألف لانه مفتاح الحروف فإنّ العالم يأتي  
إليه بأسره و لا يرى بعد ذلك كساداً.

طريفة: ايضاً فيه روى انّ رجلاً جاء إلى امير المؤمنين عليه السلام فقال انى اجد فى  
رزقى ضيقاً فقال عليه السلام له لعلك تكتب بقلم معقود فقال لا فقال لعلك تمتشط بمشط  
مكسور قال لا قال لعلك تمشي امام من هو اكبر سنّاً منك قال لا قال لعلك تنام بعد  
الفجر قال لا قال لعلك تركت الدعاء للوالدين قال نعم يا امير المؤمنين فقال عليه السلام  
فاذكرهما فانى سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول ترك الدعاء للوالدين يقطع الرزق (١٥٦).  
طريفة: لا ادري :

غداً ترى اذا انجلى الغبار      أ فرس تحتك أم حمار  
طريفة: فى حديث على بن مهزيار عن القائم عليه السلام إلى أن قال فقلت متى يكون  
ذلك يا بن رسول الله صلى الله عليه وآله فقال اذا حيل بينكم و بين سبيل الكعبة بأقوام لا خلاق لهم  
والله و رسوله منهم براء و ظهرت الحمرة فى السماء ثلاثاً فيها أعمدة كأعمدة اللجين  
يتلألؤ نوراً يخرج الرؤوس من أرمنيه و آذربيجان يريد وراء الرىّ الجبل الاسود  
متلاحم بالجبل الاحمر .. الخ (١٥٧).

طريفة: گویند هرکه این نقش خاتم سلیمانی را همراه خود دارد از شر جن و پری

و عقرب و مار در حفظ الهی خواهد بود انشاء الله:



طریفة: فی الوسائل عن الرضا عليه السلام قال من خرج فی حاجة و مسح وجهه بماء الورد لم يرهق وجهه قتر و لا ذلة و من شرب من سور أخيه المؤمن يريد به التواضع أدخله الجنة البتة و من تبسم فی وجه أخيه المؤمن كتب الله تعالى له حسنة و من كتب الله له حسنة لم يعذبه (۱۵۸).

طریفة: در کتاب طالبینوس مزبور است آنکه حرف صاد را بر صفحه ای از رصاص با روی هزار عدد نقش کن جهت عقد اللسان مؤثر است و حرف صاد را در اعمال آثار است بدون تخصیص باتفاق اکثر حکماء فتامل.

طریفة: بعضی از آیات زبوریه که حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام آنها را ترجمه فرموده اند بعربی در این اوراق ثبت می شود نقلاً عن بعض الکتب و گویند حضرت داود عليه السلام این آیات را تلاوت کرد سر بسجده می نهاد و بعد از ساعتی سر از سجده بر میداشت بلا توقف مدعی حاصل می شد از آن جمله این است که بجهت هر مهمی که بخوانند زود برآید:

إذا عبدی عصانی لم یجدنی      سریع ألاخذ فاطلبنی تجدنی

و ایضاً این آیه بجهت وسعت رزق بسیار خوانده شود:

ولیس یحلك الفردوس غیری      أنا الرزاق فاطلبنی تجدنی

و ايضاً اين آيه است از براي طلب دنيا بعد از نماز صد بار بخوانند :

لى الدنيا و ما فيها جميعاً

لى الملكوت فاطلبى تجدنى

و ايضاً اين آيه است براي عرفان بخوانند :

اتعرف من له اسم كاسمى

أنا الرحمن فاطلبنى تجدنى

و ايضاً اين آيه است براي رسيدن غائب چهل و يكبار بخوانند:

أتعرف ساترا للغيب غيرى

أنا الستار فاطلبنى تجدنى

و ايضاً اين آيه مي باشد از براي جميع حاجات چندانكه توانند بخوانند :

أنا الله الذي لا شىء غيرى

أنا الديان فاطلبنى تجدنى

و ايضاً اين آيه مي باشد بجهت رؤيت حضرت صاحب الزمان عليه السلام بايد خوانده شود:

أنا الموجود قبل القبل قبلاً

و بعد البعد فاطلبنى تجدنى

طريفة: گویند صد و ده اسم خداوندی است بی نقطه که بر آنها آثار غریبه از

قبيل وصول بحکمت و علوم عجيبه و رفع آفات و دفع بليّات و انجاح مقاصد و

اصلاح مفساد و کامکاری دارين و سعادت نشأتين و غيرها مترتب است و آنها

اینهاست: «الم الله لا اله الا هو، هو الله العليّ الاعلى و له الأسماء العلى (الاعلى)

الالاء العطاء السامح المادح الممدوح الروح الراح المصرح الملحح المصحح الاحد

الصمد الواحد الاحمد الحامد المحمد الواعد الموعود الممدود الصاد المرصاد

السداد العماد المعاد العامر المعمور المطهر الطاهر الطهور المصور المكسر المدمر

الامر الداير الدهور السرور المسرور المحرس الماسّ المطمس المحصص الصراط

الواسط الصارع اللامع المطلع السامع الواسع الموسع المسرع المالك

المملوك المالك المملوك الملك الملوك المدرك المدكدك الأول المأول المحلل

المعدل الموكل المطول المحصل المسهل الممكن الساكل المسئول المحول الحول  
والاحوال الحامل المحمول الكامل الاكمل العادل الاعدل الواصل الاكرم العالم  
الاعلم الدائم السالم المسلم الحاكم المحكم العاصم المعصوم الراحم المرحوم  
المكارم المكالم المعالم المحرم المطعم السلام الاسلام الاكرام الكلام المدعو العلو  
الحلو السمو الاله المولاه الاواه والاسماء كلها لله ولا معه اله ولا اله سواه والحمد لله  
كما هو اهله ولا اله الا الله وحده اللهم صل على محمد وآله وسلم سلاما سلاما» (١٥٩)

طريقة: گویند این دعا را اسرار مکنونه نامند بجهت مهمات عظیمه بعد از هر  
نماز یک بار بخوانند که از اسرار مکنونه است با اعتقاد کامل خوانده شود: «اللهم  
إني أسألك باسمك المكتوب في سرادق المجد والعظمة وأسألك باسمك  
المكتوب في سرادق البهاء وأسألك باسمك المكتوب في سرادق العظمة وأسألك  
باسمك المكتوب في سرادق الجلال وأسألك باسمك المكتوب في سرادق العزة و  
اسألك باسمك المكتوب في سرادق القدرة وأسألك باسمك المكتوب في سرادق  
السرائر السابق الفائق الحسن النضير رب الملائكة الثمانية ورب العرش العظيم و  
بالعين التي لا تنام وبالاسم الاكبر الاكبر الاكبر وبالاسم الاعظم الاعظم الاعظم  
المحيط بملكوت السموات والأرض وبالاسم الذي اشرقت به الشمس و اضاء به  
القمر و سجرت به البحار وبالاسم الذي قام به العرش و الكرسي و باسمائك  
المقدسات المكرمات المخزونات المكنونات في علم الغيب عندك اسألك بذلك  
كله ان تصلي على محمد و آل محمد و ان تفعل بي كذا و كذا و بجای كذا حاجت  
خود را ذكر كند که بمنزلة گوگرد احمر است در اجابت (١٦٠)

طريقة: گویند یکی از طرق ختم سورة مبارکه توحيد آن است که دو رکعت نماز

حاجت کند و صد مرتبه صلوات فرستد پس چهار صد و چهل و چهار مرتبه سوره قل هو الله احد را بنذر حضرت امیر علیه السلام قصد نموده چهار صد مرتبه را در یک مجلس خوانده بروح اقدس آن جناب هدیه نماید و چهل و چهار مرتبه دیگر را گرو نگهدارد تا آنکه بمطلب برسد و بسیار سریع الاجابه میباشد و اگر در شب جمعه باشد این عمل بهتر خواهد بود.

طریفة: گویند بجهت عزت در مجالس سلاطین و حکام هر وقت بحضور رود با انگشت سبابه لفظ بدّوح را بر پیشانی نویسد بطریقی که حاء بدّوح تمام صورت را فروگیرد و از مجربات است.

طریفة: گویند از حضرت امام علی النقی علیه السلام مروی است که فرمودند من از حق سؤال کردم که هر که باین دعاء دعا کند ناامید نگردد خداوند تعالی دعای او را مستجاب کند: «یا عدّتی دون العُدّد و یا رجائی و المعتمد و یا کهنفی و السند یا واحد یا احد یا من هو الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد اسألك بحقّ من خلقته من خلقتک و لم تجعل فی خلقک مثلهم احداً أن تصلّی علی جماعتهم و أن تفعل بی کذا کذا» (۱۶۱).

طریفة: گویند از حضرت صادق علیه السلام مروی است که بعد از نماز بامداد بجهت روزی حلال و دفع بلیّات و آفات بخوانند: «بسم الله الرحمن الرحیم یا رازق المتقین یا ذالقوة المتین یا ولیّ المؤمنین یا دیان یوم الدین یا أرحم الراحمین یا راحم المساکین اغفر لی و ارحمنی و أغننی من الفقر و صلّی الله علی محمد و آله اجمعین».

طریفة: گویند از حضرت امیر علیه السلام مروی است آنکه بجهت عزت نزد سلاطین و





طریفة: گویند در حل طلق بیک ساعت طریق آن چنین است که درانه اشنان  
پارسی و خستک کند و تقطیر کند و طلق محلوب را در بوته گرم کند که سرخ شود و  
در این آب که تقطیر نموده بریزد در حال حل شود بوقت حاجت بکار برد.

طریفة: فی حدیث المعراج فقال رسول الله ﷺ یا رب اعطیت انبیاءک فضائل  
فاعطنی فقال الله تعالی و قد اعطیتک فیها کلمتین من تحت عرشی: «لا حول و لا قوّة  
الا بالله و لا منجا منک الا الیک» (۱۶۴).

طریفة: گویند تاثیر مجاورت در اناس واضح است اما در جمادات پس آهن را  
هرگاه زمانی با مغناطیس گذاری طبع آن در او ظاهر خواهد شد و در نباتات هرگاه  
نارنج سال گذشته را که در درخت گذارده باشند و خشک و پژمرده شده باشد چند  
یومی با نارنج تازه مجاورت داده شود سرشار و خرم و شاداب می شود و در  
حیوانات هرگاه حیوان رام ذلولی را با حیوان صعب شیریری در یک طویله ببندی  
بعد از چندی همان حیوان رام شیریر و نافرجام می گردد بلکه مجاورت اناس با  
حیوانات نیز مؤثر است چنانکه جمالان چون شتر حلیم و بردبار و قاطرچیان چون  
قاطر شیریر و ناهنجار می شوند.

طریفة: گویند بعضی بواسطه تطابق عدد با ده یا دوازده نفوس وقاده او را در  
اشعار شعرا حمل بر دوستی و ولاء آن اولیاء علیهم السلام نموده اند فتامل.

طریفة: گویند از مزایای عدد سبعة آن است که در او معانی هر عددی جمع  
است چنانکه هر عددی یا زوج باشد یا فرد یا فرد و زوج با یکدیگر باشد در عدد  
سبعة همه اینها موجود است چه زوج یا زوج اول بود یا زوج ثانی و فرد یا فرد اول  
بود یا فرد ثانی و در سبعة هم زوج اول است و هم زوج ثانی و هم فرد اول است و

هم فرد ثانی چون دو و چهار و سه و پنج و اگر فرد اول با زوج ثانی جمع کنی هفت شود و اگر زوج اول با فرد ثانی جمع کنی هم هفت می شود.

طریفة: گویند یکی از مزایای عدد هشت آن است که مکعب است زیرا که دو در دو چهار باشد و چهار در دو هشت و هشت نخست عدد مجسم است از آنکه هیچ عددی تا مکعب نشود مجسم نشود چه جسم آن بود که او را طول و عرض و عمق است و هر خطی را دو سر باشد و آن بمنزله جذر بود چون در عرض زنی چهار شود و چون در عمق زنی هشت شود و این مثال نقطه و خط و سطح باشد.

طریفة: گویند چنانکه حساب نامتناهی است اشکال نیز نامتناهی است و هر یک آیت واحده حقیقه ساریه در کثرت است.

طریفة: گویند ارسطو طالیس در یکی از کتب خود گوید که بسیار بود که من بنفس خویش خالی شوم و تن را بجای بمانم چنانکه پنداری که جوهر مجردم بی تن و همه چیزهای عالم را دریابم و ذات خویش تنها چیزهای نیکو بدانم و داخل بنفس خویش و خارج موجودات باشم پس بدین سبب دانستم که از عالم علوی شریفم و قطره‌ای از آن دریابم.

طریفة: فی البحار نقلاً عن فقه الرضا قال العالم علیه السلام: فی العسل شفاء من کل داء من لعق لعقة عسل علی الریق یقطع البلغم و یکسر الصفراء و یقمع المرة السوداء و یصفوا الذهن و یجود الحفظ اذا کان مع اللبان الذکر و السكر ینفع من کل شیء و لا یضر من شیء و كذلك الماء المغلی ونروی ان الثمار اذا ادرکت ففیه الشفاء و اروی عن العالم علیه السلام فی القرآن شفاء من کل داء (۱۶۵).

طریفة: فیه ایضاً عنه علیه السلام شرب الماء من الکوز العانم امان من البرص والجذام (۱۶۶).

طریفه: گویند دبیلہ تصغیر دبیلہ بمعنای دمل کبیری است کہ او را کفگیرک نامند.

طریفه: فیہ ایضاً قال من اکل الزیب علی الریق رزق الفهم و الحفظ و الذهن و نقص من البلغم (۱۶۷).

طریفه: فی الرسالة المنسوبة الی امیرالمؤمنین علیه السلام من کتب ثمان مائة و خمسة ضاداً لیلۃ السبت و نشب علی خشب الرّمان علی هیئۃ عَلم و یفرز فی جدار القبلة اری له کلّ ماله عند الناس و من وضعه فی الكتاب العزیز المجید صار مکرمًا و لیکن ذاکراً لهذین الإسمین و هما «یا مدّل یا نور».

طریفه: قیل قالوا کل اسم فیہ الطاء مثل اللطیف و الطاهر فالمدائمة علیہ يجعل القلب ثابتاً علی الطاعة و الرزق واسعاً و من قرأه مأتی مرّة اطاعه کلّ من رآه.

طریفه: قیل فی کتب المشایخ کلّ اسم فیہ القاف عدده ۱۸۱ یقرء عند غروب الشمس لحصول العزّة و الاقبال و الجاه و الدولة و ذلك مثل یا قیوم یا قادر.

طریفه: گویند بجهت کشف ارواح هر اسمی را از اسماء الله تعالی که در او کاف باشد مثل کافی و کریم هزار و پانصد مرتبه بخوانند مؤثر خواهد بود انشاء الله.

طریفه: گویند بجهت زیادت فهم و عقل و حفظ و رفع نسیان هر اسمی را که در او میم باشد مثل رحیم و رحمن نود مرتبه باید خواند.

طریفه: فی البحار عنه علیه السلام فی المرأة التي یستمر بها الدم فتستحاض قال تغسل عند الصلوة احتساباً فإنه لم تفعله امرأة قط احتساباً الا عرفیت من ذلك (۱۶۸).

طریفه: فیہ ایضاً روی انه إذا عرضت الحمی لانسان فینبغی أن یداویها بصب الماء علیہ فإن لم یسهل ذلك علیہ فلیحضر له إناء فیہ ماء بارد و یدخل یده فیہ (۱۶۹).

طریفة: قبل فی حدیث عمر اذا اقيمت الصلوة ولى الشيطان و له خبيج بالتحريك

ای ضراط و یروی بالحاء المهلمة (۱۷۰).

طریفة: قبل انّ فی البدن قوى اربع هی الموجبة لفوات السعادات الروحانية:

احدها القوة الخيالية المودعة فی البطن المقدم من الدماغ و إليها الإشارة بقوله «من

بين ايديهم» و الثانية الوهمية الموضوعة فی البطن المؤخر من الدماغ و إليها الإشارة

بقوله تعالى «و من خلفهم» و الثالثة . فی البطن الأيمن من القلب و اليها

الإشارة بقوله «و عن أيمانهم» و الرابعة فی البطن الأيسر .... و اليها الإشارة بقوله «و

عن شمائلهم» فلذلك خص إتيان الشيطان فی الوسوسات المموهات بهذه الأربع

من الجهات فتأمل .

طریفة: گویند گاهی شعراء عجم الف روى را اماله کنند و بیا خوانند مثلاً عماد

را عمید خوانند و اگر چنین یائی را بایاء اصلی مثل خورشید مقابل آورند هر آینه از

عیوب شعریه خواهد بود.

طریفة: گویند هر گاه نمک را بیارچه سرخی بسته و بر طرف چپ زنان تعلیق

کنند باعث سرعت ولادت او گردد انشاء الله تعالى.

طریفة: گویند چون ملح القلی را در سرکه حل کرده عقد کنند و بانوشادر بسایند

در نقل معادن بمرتبه اعلی مجرب دانسته اند و چون بازای هر سه درهم نوشادر یک

عدد زرده تخم مرغ پخته اضافه نموده بآتش برشته بافشدن، روغن او را بگیرند در

عمل رصاص مجرب شمرداند و الله العالم.

طریفة: طریق عقد محلول در اصطلاح اهل صنعت آن است که آن محلول را در

قاروه کنی و سر او را بآهک و سفیده تخم مرغ محکم نمایی و گودی بکنی و آن

قاروره را در گل حکمت بگیری و در آن گودی نهی و اطراف او را بخاک انباشته کنی و اندکی آب بر آن خاک پاشی و پای بر آن خاک نهی چنانکه محکم شود و قاروره نشکند پس بیاری سرگین خشک را در بالای او ریزی بقدر داروئی که در قاروره می باشد نه کم و نه زیاد پس آن سرگین را آتش زنی پس بگذاری تا زمانی که آتش تمام شود و سرد گردد پس بیرون آوری و تجزیه کن بانکه او را در صفحه تافته از مس یا نقره بریز اگر دود کند ناتمام و الا تمام است و الله العالم .

طریفة: گویند ملقمه آن است که روحی را با جسدی بهم آمیزی که یکی شود و آلت این کار سنگ مهره و سنگ صلابه مثل مرمر یا آبگینه یا پشم یا سنگ سماق است که بآنها آن دو را سحق کنی.

طریفة: گویند آلت تشویه قدحی آبگینه می باشد دو قدح با یکدیگر ترکیب کرده که در اندرون دو قدح باشد و باتش نرم مانند خاکستر گرم یا مانند آن تشویه کنند.

طریفة: گویند در عمل قمری تمام بگیرد زرنیخ زرد بغایت نیکو و در کفچه آهنین کند بعد از آن که نیکو سحق کرده باشد پس باتش نرم کرده و روغن کرده پیه در وی افکند تا آنگاه که روغن سیاه شود و او را بریزد و دیگر بروغن کرده پیه در وی افکند تا آنگاه که سفید شود چون سفید شدن کند او را بیرون آورد و بآب نمک بشوید و دیگر باره همان عمل می نماید تا زمانی که بغایت سفید و لطیف و قائم گردد و بعد از آن درمی از آن بر پنجاه درم زهره منقی طرح کند نقره در غایت سفید و نرمی باذن الله تعالی بیرون آید.

طریفة: ایضاً در عمل مزبور گویند بگیرد کبریت زرد سندرومی و نیکو نرم صلابه

کند و بروغن زیت بپزد و هرگاه روغن سیاه می شود آن را می ریزد و دیگر روغن بر آن می چکاند و همچنین تکرار می کند تا آنگاه که سفید شود درمی از آن بر بیست درم زهره منقی طرح کند قمری گردد سفید بفرمان خداوند تعالی.

طریفة: گویند تنقیه سرب چنان است که سرب را بگدازد و در آبی که شب یمانی حل کرده باشند و گرم باشد بریزد و یک بار در آب ببرد همچنین مکرر کند تا سفید و خوش لطیف شود.

طریفة: ایضاً گویند قمر یک مثقال ، قلعی یک مثقال ، برادهٔ حدید یک مثقال ، این مجموع را بر نه مثقال زهره منقی طرح کند قمر نیکو گردد و تنقیه زهره را با مازوی گیلاتنی باید کرد و الله العالم.

طریفة: گویند هرگاه کسی بیضهٔ مرغ خورده باشد نباید فصد کند اگر چه یک شبانه روز هم فاصله شده باشد و بسا موجب هلاکت خواهد بود.  
طریفة: لا ادری :

داد حق را قابلیت شرط نیست بلکه شرط قابلیت داد اوست

طریفة: گویند جهت دزدیده و گمشده هفت مرتبه یا هفتاد مرتبه بخواند بی شک پیدا شود «اصبحت فی جوار الله ، امسیت فی امان الله».

طریفة: گویند هر که در محل غروب آفتاب چهل و یک بار آیهٔ الکرسی را بخواند آنچه از خداوند تعالی بخواهد بیابد انشاء الله تعالی. تمت.